

سری اقدام بکار صحیح بطور جدی نخواهد کرد ،
 با نهایت جد و کمال مواظبت جلوگیری از دسایس
 مانعین نمود بحقیقت انسانیت قسم که دشمن در کین
 و دوست جاه نشین است کار کنان سابق دلتنگ
 شده اند کم کم آنهایکه امروز در کارند کسل و ملول
 شده ، ملال اینها و وحدت دشمنان کار را خراب و
 پل را آنسوی آب خواهد گذاشت خلاصه کلام اینکه
 دو چشم داریم دو چشم هم باید قرض کرد دشمنان
 آزادی را نگاه کرد و ملت بود که یکبارہ در
 بین بازی مارا مات نکنند باز عرض میکنم که
 آخرین تیری که در ترکش دشمنان آزادی مانده و
 بلاشک کشیده است همان نورت قلوب ملت است که
 بهزار وسیله در تیرہ آن میباشند باسببان تملکت و
 مہمونان ملت راست که ازین نکته کمال مراعات را
 فرمایند و وسایل جلوگیری ازین مادم فساد را
 هرچه زود تر تیرہ فرمایند و گره عقرب زحانی
 که در راه آزادی کشیده شده عباہ منثورا خواهد
 شد

حکومت آزادی ایران اسلامی

آزادی یعنی کفندہ ریشہ استبداد. آزادی یعنی
 رهم زندہ اساس اسارت و عبودیت عجزہ. وفق یک
 ملت بواسطہ علیہ توہمات و حسابات عقلیہ ایشان
 تن بزیر بار تحکات مطلقہ و اسارت بیعت مانند
 خودی می دهند این مغلوبیت بجهت علت ناید
 بدبختی آنها شده روی ترقی و استقلال را مادامیکہ
 بودہ این اوہام را ندوریدہ اند و لذت حسابات
 عقلانیہ را مجشیدہ اند می بیند، و مہوم آزادی
 بحسب اختلاف ملل مختلف میشود ، یعنی صور
 وقوع خارجی آن مختلف است مثلاً یکوقت میگوئیم
 فلان ملت کہ بحیث مذهب مقید نیستند در فشار
 استبداد بودند و آزاد شدند ، معنی این آزادی
 است کہ ہر یک از افراد آن مملکت حالا میتوانند
 در امورات شخصی و مملکتی بدخواہ خود رفتار
 کنند، چراہ بعلمت اینکه بجدی جز حد استبداد محدود
 نبود آنہم کہ رفع شد آنها باقی میماند بہ داحواہ
 خودشان. پس آزادند کہ بہ دلخواہ سلوک کنند ،
 مادامیکہ مراحت با داحواہ خود دیگری نداشته
 باشد وقت دیگر میگوئیم فلان ملت بحیثیت
 مذہبی مقید بود و بملاوہ قید مذہب استبداد ذابوہ

دیگری بدور داحواہ ایشان کشیدہ بود ، آزاد
 شدند ، معنی این آزادی آنست کہ حدود استبدادی
 آنها مایل شد و بعد ازین میتوانند کہ بعد از
 مراعات قیود مذہبی هر طور میل داشته باشند
 امورات شخصی و نوعی خود را اداره نمایند مادامیکہ
 مزاحمت با حق دیگری نداشته باشد

حالا ہ بینیم آزادی مملکت ایران کدام یک ازین
 دو قسم است بالضرورہ قسم اول نیست چہ کہ
 مذہب رسمی ایران اسلام است و اسلام را کہ
 عبارت باشد از حدودی کہ بعد از قبول و تسلیم
 وجود مالک الملک حقیقی قبول کرده ایم و بر حسب
 ادعای اسلام تازندہ ایم باید مطیع اوامر مقدسہ
 شریعت بودہ در احترام نوامیس شرعیہ جامد و
 سعی باشیم و قبول این مطالب حدودی بدور داحواہ
 ما مسلمانان کشیدہ کہ اختیارا رفع آنها را نمیتوانیم
 کرد مگر بخروج از دایرہ اسلام. مثلاً اگر فرض
 کنیم ادارہ پلیس در عالم باشد ما فقط نظر مسلمانان
 نمی توانیم مال کسرا بدزدیم، نمیتوانیم متعرض عرض
 احدی بشویم، نمیتوانیم ملک کسرا جبراً تصرف کنیم،
 نمیتوانیم در خانہ و مسکن کسی بدون اجازه داخل
 شویم، نمیتوانیم ترک نماز کردہ در روز ماہ مبارک
 افطار کنیم و ہکذا سایر محرمات، چرا بحجہ اینکه ما
 مسلمانان بحکم قانون الہی عز اسمہ کہ در ظل
 حمایت آن تربیت شدہ ایم محدود یا محدود بودہ و
 خواهیم بود ،

حالا عرض میکنیم کہ ما مسلمانان مدتی بودہ
 مبتلا بحدود استبدادی کہ نانی از فراغت وقت
 بود بودیم و دایرہ اختیارات ما را تضییق کردہ
 بود و باین علت گرفتار جہات و نادانی مانده و
 ابدأ نمیتوانستیم در پیشگاہ انسانیت دم از حقوق
 بشری بزیم و از ترقیات انسانی بالمرہ مہجور و
 محروم مانده بودیم، تا آنکہ لطف خداوندی عنایتی
 بحال ما حفتهگان بتر غفلت و ناامیدی فرمودہ
 از خواب گران چند صد سالہ مان برانگیخت و
 بخدمت آزادی مفتخرمان فرمودہ در سلاک انسانیہای
 سایر نقاط کرہ منلوم شدیم ، در عوض تقدیم
 شکر منم حقیقی کہ عبارت از اطاعت اوامر مقدسہ
 او باشد بدبختانہ برخی از جہات فقط از روی اشتیاق
 در مہنی آزادی اسلامی و ندانستن اسکہ آزادی بودہ

اسلام چه اقتضا دارد دیده میشوند که متمسک
یا آزادی شده احتراطاتیکه شایسته او امر مقدسه شریعت
و توأمین شرعیه است مراعات میکنند ، و آزادی
مملکت اسلام را آزادی سایر ممالک قیاس مینمایند
خافل ازین نکته که ما بر حسب نظرت محدود محدود
بندی خداوند بوده ایم و هیچکس نمیتواند ما را ازین
حدود آزاد نماید مگر ترك ، و این اشتباه عاقبت
مورث ضررکافی و مایه و هن مسلمانان در انظار احباب
خواهد شد ، و ر هوشمندان سایر ملل مسلم خواهد
گردید که ملت اسلام آزادی را با داشتن مذهب
نمیتوانند جمع کرد

چه قدر شباهت و قابل تمسک است که
در عوض مسامحات در امور شرعیه متمسک
یا آزادی شده نفع و ضرر ، دوست و دشمن خود را
بشناسیم ، متمسک با آزادی شده کارکنان مملکت را در
تحت فشار ملی در آورده از آنها اصلاح مطالب
ملکی را بخواهیم ، متمسک با آزادی شده نقیصی که
بجبهات مایه ما در دور استبداد وارد شده تکمیل
کنیم ، متمسک با آزادی شده معارف را که رافع
ایگونه اشتباهات و دفاع ایگونه جهالت است در مملکت
منتشر کنیم ، متمسک با آزادی شده سمت زرکی از اهالی
مملکت یعنی طایفه رارع و ریح بران را از مملکت
و اجحافات ملائکین تحت دهم و حقوق شرعیه را
بأنها بیهابیم ، متمسک با آزادی شده با نهایت حدت و
خفالت متجاوزین داخله و خارجه را از حقوق
مسلمه خودمان محروم کنیم ، متمسک با آزادی شده
توسن امکار را در میدان تحصیل ثروت برای این
مملکت فقیر حولان داده شاید گوی متصودرا بچوگان
ندبیر از میدان به بریم ، آزادی را سند بلوغ خود
قرار داده قیم های غیر مشروع را جواب بکنیم ،
آزادی را سند استقلال خود قرار داده باطلهار
حریت و استقامت در کارها تمام عالم بیهابیم که ما
میتوانیم امور خود را اداره کنیم ، آزادی را وسیله
رفع موانع ترقی خود کرده ریشه دشمنان را از
ایران بکنیم ، چه قدر زشت و در انصار عقلائی عالم
قییح است که گوسر گرانهای آزادی را در راه
مشتهیات نفسانیه صرف کرده گنبد را که ممکن
است با او تمام نواقص و بد بختیهای خود را رفع
کنیم بیچ بوج از دست بدهیم ،

اگرچه نطقین و ارباب جراید ما دیگران را
بمخود قیاس کرده و از بیان و تشریح معنی آزادی
منتفی میدانند لکن بقیده نده خیلی لازم است
که جندی عطف توجه باین نکته شرعیه مهمه
فرمایند و شرح فوق الماده از معنی آزادی ایران
برای فهامیدن عوام بگویند و بگویند

نگوید آنکه بداند چگونه آنکه بداند
محیرتم که اشان وصاش از که محویم
شما که میدانند نگویند دیگران که
نمیدانند چه بگویند . آت وقت از ملت که
تاکنون در دست جهالت مبعوده چه توقع باید
کرده البته همه میداند که طالب ممالک ملت ایران
بمات نداشتن معارف بجهت و حوش جاهل ، و دشمنان
آزادی و استقلال ما دسایس گوناگون چگونه در
کارند و ایگونه اشتباهات در معنی آزادی طبایع
ملت حامل را از حقیقت آزادی بقدر متفر و
منزجر خواهند کرد ، و این نفر و انحرار چه عاقبت
وخیمی خواهد داشت و چه فرصتها بدست دشمنان
حریت و متحد خواهد داد ، و قدیکه انسان در محذورات
ایگونه اشتباهات تامل میکند از مشاهده قوای فائده
که بعارض می آید باین اختیار بگویند ، یا محول الحول
والاحوال حالنا الی احسن الحال

یوسف زاده مهدانی

نقل از روزنامه حکمت

(معاهده ژاپون و کوری که در ۲۲ ماه)

(آوت گذشته منفی شده و در ۲۹ ماه آوت)

(منتشر گشته است)

اعلیحضرت امپراتور ژاپون و اعلیحضرت امپراتور
کوریا نظر به لائق وثیقه و خصوصیه بیان نشور شان
و نظر و بیت ایشان در فروی سعادت در ملة و
توطید سلم در شرق و نظر با امتناع هر دو ایشان که
نوال این آرزو بسم کوریا بساطة ژاپون خواهد
شد هر دو امپراتور عقد معاهده صم را مقرر کرده
و برای این عرض دو وکیل مروض معین نمودند
و ایشان فیکونت (مازا کاتیروشی) معتمد تام
اعلیحضرت امپراتور ژاپون و (لی وان یونگ)
رئیس وزارت اعلیحضرت امپراتور کوریا . پس از
مناوضات و مذاکرات این دو وکیل مروض مواد

بند اول - اعلیحضرت امپراتور کوریا از جمیع حقوق حکمران خود بر کل کوریا با اعلیحضرت امپراتور ژاپون تنازل کامل و دائم می نماید

بند دوم - اعلیحضرت امپراتور ژاپون تنازل مذکور در بند اول را بپذیرد و بضم کل کوریا بژاپون راضی شود

بند سیم - اعلیحضرت امپراتور ژاپون با اعلیحضرت امپراتور کنونی و با اعلیحضرت امپراتور سابق کوریا و بوالا حضرت ولی عهد و بزبان و بورنای ایشان حسب الدرجه ، القاب و رتب ترك نموده و مرتبات سالیانه مطابق این القاب و رتب بر ایشان مقرر نماید
بند چهارم - اعلیحضرت امپراتور ژاپون نیز القاب و مرتبات خصوصیه باعضاء سالدان امپراتوری کوریا و بورنای آمان غیر از مذکورین در بند سابق مقرر نماید

بند پنجم - اعلیحضرت امپراتور ژاپون و جمیع کوریان را که بخدمت مستحق شده اند القاب شرف و مرتبات خواهد بخشید

بند ششم - بپای رضم مذکور حکومت ژاپون حکومت و اداره کوریا را متولی شد و متعهد حیات و املاک کوریان حاضر بر قوانین کوریا را میگرداند
بند هفتم - حکومت ژاپون در مصالح عمومی ژاپون و کوریا علی قدر الامکان کوریان را که با خلاص حکومت جدید را حاضر و کفایت لازمه حکومت را مبرهن دارند استخدام خواهد کرد

بند هشتم - از آنجا که این معاهده نائل موافقت اعلیحضرت امپراتور ژاپون و اعلیحضرت امپراتور کوریا گردیده است از روز نشر این معاهده عمل خواهد شد

(منشور رسمی حکومت ژاپون)

چون حکومت در کوریا از حفظ نظام و امن متمکن شد از اینرو بر رسم کوریا بژاپون اتفاق نام حاصل شد . سیر در امور متعلقه با جانب و تجارت خارجی در کوریا بموجب بندهای زیر است

بند اول - معاهدات مبرمه میان دول اجنبیه و کوریا لایمی شده و بموجب معاهدات معقوده بژاپون عمل گردد ، اجانب مقیم در کوریا بحقوق که اجاب در ژاپون متمتع اند تمتع خواهند یافت

بند دوم - حکومت ژاپون رسوم مقرر الان بر صادرات و واردات در کشتیهای اجنبی را که بمیان آب کوریا داخل میشوند تاده سال باز خواهد گذارد
بند سیم - ژاپون تاده سال مر کشتیهای دول مرتبه بمساعدات خصوصیه بژاپون را حق نقل بضایع میان بندرهای ژاپون و بندرهای کشور کوریا ترك می نماید

بند چهارم - بندرهای مفتوح کنونی کوریا جز از بندر (مازانبو) که بدل آن بندر (جینوچجو) باز خواهد شد مفتوح خواهند ماند

منشور امپراتور کوریا مرکوریان را

... تحقیق اصلاحات مطلوبه بر من متعذر شد از اینرو این مبعوض را بدیگری باز گذاشتم و از شما می خواهم که بآرایی و وقار رفتار نموده و بر اداره جدیده مطیع باشید .

(حکمت) از چنین امر برانوری شرف این چنین وصیت بآنچنان ملت بی - یرت سزاوارست چه و من سعی تمام ارض مسیحه و نام غنیمت توی رعیتها الاسد

حاکم تازه منشور عام منتشر نموده و در آن رسوم مالیات متأخره بر فقرا را بخشیده و از بجرمین که دو ثلث مدت حبس خودشان را بسر بردند اسد عفو عام نمود . حکومت ژاپون چهل و دره ملیون فرانک برای مساعدت صنعت و معارف و انشاء بیمارستانها و محلههای خیری بکوریا فرستاد
جریده توویریبای روسی هم اظهار حیات نموده و میگوید « مصالح روسیا دو کوریا خیلی کم است ، لذا روسیا بدم موافقت خویش برضم کوریا بژاپون مسبب مسوغ نمی بیند »

(حکمت) آری تو بگیری مصالح روسیا در کوریا کم بود که نیم ملیون تنگ روس در آنجا مقتول و چهار سده ملیون لیرا محض خاطر این خاک کور کوریا کور کوراه در مکتف و منجوری و کوریا صرف شد .

(وانما الحمر والا زلام رجس من عمل الشيطان فاجتنبوه -) ما جعل الله شناه امی فیما حرم علیها (حدیث شریف) - ایالة (باما) در امیر کا که اهالی آن مسیحی صرف است از آغاز امسال

قانون سخت شدید در نخوردن می و نفروختن
 باده در مملکت خود که بموجب آن قانون می
 فروشی و می نوشی و می سازی در داخله بلاد
 منع بات شده نیز و اردات بلا داخله را بالکلیه
 ممنوع نموده است شکفت در این بند از بند های
 قانونی این است . - اگر کسی میخورده و بدیگری
 بتازد و باو بستزد مرده و مدستی کند حکومت
 علاوه بر مجازات میخواره می فروش را نیز که او
 در میخوانه او باده نذش شده است محکوم بدادن
 تعویض عمدی عایه خواهد بود .

پس از اعلان این قانون پولیس در شهر
 (پرنسنگام) یک صراحی از (ویکی در یکی از
 دکاها ضبط نموده و دوکادار و محکوم مجزاء شدید
 گردید . همچنین یکی از عید لادوچاک حبه - قناع
 پیر بردوش داشت گرفتار بولیس شده و محکوم
 گردید و او کردد مرحا از هر کس آمان بدهد خر
 آن رود آنها را ضبط نموده و بردها میزند .
 ولی در تمام اسلام رسمياً تصنیج و ادب
 بکشودن میخوانه و میفروشی می سازی میدهند
 و سالیانه هم از آبا باج و حراج میبرند و آشکار
 اواند و خوانها درد کاهها و خاهها شیشا های متعدد
 از مشروبات روحیه و در مهاسیا و ولاتم زینت
 میدهند . می نیاشام را از دائره تمدن خارج
 میدانند و از ارباب حقول سحره و اوقار قدیمه
 میشارند . و نمیدانند که حریات قوت صیبی انسانی
 را ضعیف مینماید . و دکا و باهت مردم را نابود
 میکند و فرحام کار محققاً میخواران را باید بویه اگی
 و بمرک نام هنگام میگشد زیرا حر تاثیر شدید در
 اعصاب هضم و تنفس و دور رة الدم و حرکت مغز و
 اعضاء حساسه و نفس مینماید و قوت اراده هیئت اجماعیه
 نابود میکند . و تاثیر بدی در نسل و حیوانه مینماید
 مختصراً ام الحیائت است . پس الله حاضرها و بانها
 و سا قیها و شارها .

تذکرات روتر راجع بایران

(۱۸ ذیحده - ۲۱ نومبر)

مخبر روتر از طهران خبر میدهد که دزدان
 قافله نزر را در قرب شیراز زده و صد عدل از
 آن مال ربای انگلیس بوده است

حبل المتین

معموم است که برای اثبات حقایق یاد داشت
 جناب ... انوردگری بدولت ایران منتظر واقعات
 بالا ... اری هم باید بود . عجب این است که در
 چهار ساله اسلاب ایران اسگوره واقعه پیش نیامده
 و چنین تلگرافی با این شد و مد اشاعه نیامده بود

ظاهر است که در صورت صدق این واقعه نیز دامایان
 میدانند از کجا آب میخورد

(آوخ که دوی درد بهانی ما)

(افوس که جره بریشال ما)

(درقبضه حمی است که بداشته اند)

(آبادی خویش را ز ویرانی ما)

مسئو زی کابستوف رئیس دلمای روس در
 لندن وارد تا در خصوص اتصال راه آهن ققاز
 و هند با ارباب حل و عقد انگلستان مشاوره
 بردارد . مشار الیه به مخبر روتر اظهار داشته که
 حصه سرطاه روسیه برای تعمیر این خط راه آهن
 آماده است فقط صرافان لندن باید در این نشه
 عور و تحویز مابند . این راه آهن در الملی خواهد
 بود تا معراس بخارتی هیچ دولت زانی و ندارد
 اقدیمه مشار الیه برای تعمیر این راه آهن ۲۱
 ملیون لیرا کان تصور می شود ارباب حل و عقد
 لندن و پترسبرگ این نشه راه آهن را بسدیده و
 چنان میبدارند که هیچ وجه زانی را آن بپرداز
 هم خواهد رسانید بلکه در لحاق با راه آهن
 بپرداز مشکلات بانکی کنون هم اوسط آری مرتفع
 خواهد گردید . در بصورت عقیده صرافان انگلستان
 درین موضوع چیست باید معلوم شود

روز نامه بوپوریا ... رن وزارت خارجه
 روس شناخته شده صن مقاصد خود اشاره بوخن
 ناشناسی و تنگ حوصسگی بخاری که اعتراض تعمیر
 این راه آهن نموده اند کرده مینویسد که ارباب
 کارخانه حات مسکو بجای فراهم نمودن نشه راه
 آهن مذکور پروتت کرده که سرمایه روسیه در
 این راه کم فایده صرف بساید نبود . بوپوریا
 مجدد با کمال شدت مینویسد که دولت روس بساید
 این موقع مقتم را از دست بدهد و لازم است که
 در ازدیاد نفوذ منافع خود در ایران بر حسب
 معاهده نائنگلیس کوشیده جایگاه خویش را استحکم
 نموده در هایت دایره تعمیر راه آهن بردارد
 تلگرافی در ران و مسکو اشاعه یافته است که در
 یکی از مجاسیدکه منعقد شده بود ارتجار که در موضوع
 راه آهن ققاز و ایران مدافه شود (مسیوار کایم) که
 نائب وزارت خارجه روس است در اظهار مشکلاتی
 که در تعمیر این راه آهن برای روس که در معاملات
 بانکی ایران با آلمان پیش تواند آمد . میگوید
 که لازم است سرحدی برای خود روس و آلمان
 در ایران معین گردد و مخبر ژانس مذکور معلوم
 نموده است که مخبرات بین روس و آلمان درین
 موضوع بطور داخواه جاری و عنقریب نتیجه آن

ظاهر خواهد شد ، ولو اینکه روسیان مائل نیستند الحاق راه آهن بغداد را برای آنی که زیر نجویز است از وسط ایران بگذرد

جبل‌المتین

از قرائن خارجیه چنان مستفاد میشود که انگلیسیان هوشیارترین به نقشه روس در تعمیر راه آهن موصوف در برده اند ارجیالات مشویه روس و محاربات آن با آلمان و بهائیک این راه آهن به اصول تجارت و مضمرات سیاسی آن برسد منفعت شده با آن وضع را رد نموده اند ولی محض اینکه دیگران بی به اختلاف ملت درین موضوع برسد بجزار مسکو را باینگونه برهتست و ادار نموده اند - چیزیکه مصدق این قول تواند شد این است که اگر صرافان روس مخالف این شده بودند در همان اول وجهه اعتراض می نمودند ، اینکه بد از پیش شدن نقشه بصرافان انگلیس چنان اعتراضی نمایند و نیز از خشونت قلم روزنامه نیویورک بیا این نکته مترشح است که دلم بلندیکی مینویسد :-

« حالا که انجام آن نقشه غیر میسر گردیده دولت روس نباید این موقع تنبیهت را برایگان دهد و باید قوت خود را در منطقه نفوذ خویش زیاد کرده بشرق دست تعمیر راه آهن بیاورد »

از دیداد قنون ساحلوی روس در تبریز و ترمین خیالات وزارت خارجه روسیه و نتیجه ملاقات امپراتورین را تا درجه ظاهر میدارد .

ایرانیان بدانند که ناتوان سیاسیون دادن امتیاز راه آهن به همسایگان تا این حال ضعف مرت و نحو استقلال این مملکت اسلامی همان است - چیزیکه این نکته را قوت میدهد هم تلگراف دبل است که عانی به محرک آلمان مصمم شده است که راه آهن بغداد را تا ساحل خلیج فارس برساند - دار است که تمام این گره و قضاایها و نقشه کشیهای روس و انگلیس بین بر جلوگیری راه آهن بغداد و نفوذ آلمان بود و چنان مستفاد میشود که آنها در نقشه کشی های اخیر در سده الحاق راه آهن قفقاز به هند از وسط ایران برده این نقشه جدید بنامه شهود آمده است و بید نیست اگر دولت انگلیس در خلیج فارس علناً به مانع ترانی ایستد مقابله اش با آلمان حتمی گردد . مسلم است که انگلیس هم از خیالات آلمان و نتیجه ملاقات امپراتورین مطلع شده اند . روزنامه (کاتونی زمان) آلمانی بموجب خبریکه از اسلامبول یافته مینویسد که بنا بر خواهش آلمان بین دولتین تصفیه شده است که حاکمه راه آهن بغداد باید در خلیج فارس بشود

(۲۲ دیقمده - ۲۵ نوامبر)

تا بموجب تلگرافیکه از پترسبرگ رسید در راه

ارومی و سلاطین جنگی بین پولیس ایرانی و عثمانی واقع شده عثمانیان کک یافته راه را قبضه خوا در آورده اند ، هیئت ملاکین و علماء و تجار ساع اند که با طهران بخار نموده تا جلوگیری از عثمانیان بشود ورنه بدول سائر رجوع خواهند نمود

در اسلامبول رسا اظهار شده که ایلات کرد که نوکران دولت هم در آن شمولیت داشته بین راه ارومیه و سلاطین حله رترکانی که در موقع متنازع فیه قیام داشته نمودند ، و این خبر غلط است که عثمانیان در سرحد ایران داخل شده بودند ، تصفیه این امر با حکومت محلی ارومی موضوع بحث است

(۲۶ نوامبر - ۲۵ دیقمده)

در جواب پروتست دولت ایران سرادوردگری اظهار داشته که فرستادن مأمور سارت برای تحصیل وظیفه شاه مخلوع که پروتست از تجاوز قانون بین المللی شد ، مبنی بر قانون مروجه ایران بوده است و در خصوص او ای شاه مخلوع ایل ترکک را برخلاف قرار داد و تعهدت او هنوز به ثبوت نرسیده - هرگاه این مسئله به ثبوت پیوندد در آن صورت میتواند قطع وظیفه او را نماید

جبل‌المتین

تشریح حله اول را در ذیل عنوان اعذر بدتر از گننا) نوشته ام ، جواب از حله ثان را بوزارت خارجه ایران وای گذاریم که چنانچه شاید و باید این مسئله اهم را ثابت نماید

حرکت محمد علی از اودیسه به ویا و ویشی و قصد تلافیش در باریس با شاهزاده ظل السلطان و مستور داشتن این مسئله از سارت انگلیس تمام بین بر خنده کاریهای روس است - زمزمه دادن است نارس بشاهزاده ظل السلطان هم که در جراند لندن اشاعت یافت جواب بلندیکی روس بود که اگر تو محمد علی را انوا کرده ما برانتس هدایت میکنی ما هم ظل السلطان را در مقابل آن با برانتس میفرستیم ، همه و تدارکی که روسیان در ازدیاد قشون خود به قزوین دیده گویا برای انتقالی باشد که خودشان در طهران تهیه کرده اند

آری ملتی که بمحقوق حقه خود واقف نیست و اباس مرعوبیت با سم نزاکت شناسی سیاسی پوشیده این گونه افلاکات را در پی دارد

(۲۷ نوامبر - ۲۵ دیقمده)

مخبر روزی از طهران خبر میدهد که ششصد نفر قشون روس برای رفیق قزوین وارد آنلی شده اند ، و در حلقه سیاسیون این حرکات روس قیام دائمی قشونش را در ایران توثیق می نماید

« جلالین کلکتہ »
 مدیکل کالج استریت نمبر ۴
 HABLUL MATIN OFFICE
 4, MEDICAL COLLEGE STREET
 CALCUTTA

و لا حول الاخذ ابولہ بدون قبض ندارند و تاوقتیکہ
 (مشترکین را قبض همسر سال هجدهم دست نماند)
 (دما شان روی شناخته نمیشود)
 نامہ مقدسہ

(قیمت اشتراک)
 سالانہ — شش ماہہ
 (هند و برمه)
 (۱۲ روپیہ — ۷ روپیہ)
 (ایران و افغانستان)
 (۴۰ قران — ۲۰ قران)
 (عمان و مصر)
 (۵ مجیدی — ۳ مجیدی)
 (اروپا و چین)
 (۳۰ فرنک — ۱۶ فرنک)
 (روس و ترکستان)
 (۱۰ منات — ۶ منات)

الجلالین

(کلیہ امور ادارہ با)
 (مدیر کل مؤید الاسلام است)
 (ہر دو شنبہ طبع)
 (ہر دو شنبہ توزیع میشود)
 (ہر دو شنبہ)
 (۲ ذالجه ۱۳۲۸ ہجری)
 (مصادف با)
 (۵ دسمبر ۱۹۱۰ میلادی)

سنة ۱۳۱۱

مراسلات خصوصی بدون امضای
 (معروف ادارہ درج نمیشود)

در این جریدہ از ہرگونہ اخبار و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملی بحث میشود
 (مقالات عام المنفعہ مقبول و در انتشار ادارہ آراستہ)

نتیجہ ملاقات امپراطورین روس و آلمان
 اگرچہ نتیجہ ملاقات امپراطورین روس و آلمان
 در (پورتسم) و ہیئت دیپلماتی دولتین رسماً
 تاکنون معلوم نگردیدہ و شاید تا دیر باز ہم در
 پردہ استارماند ولی قرآن خارجیہ خصوصاً تلکرافات
 اخیرہ ظاہر میدارد کہ دیپلماتی روس برضیئہ خواطر
 امپراطور آلمان در وسط آسیا کوشانست چنانچہ بعد
 از ملاقات امپراطورین مخبر روتر اشاعت داد کہ
 مناقشات جزئیہ بین روس و آلمان ازین و بعد
 دوستانہ تصفیہ خواهد یافت ، از تلکراف اخیرہ کہ
 در برلن و مسکو اشاعہ یافته و ہنتہ گذشتہ نوشتیم
 ظاہر میگردد کہ یکی از مناقشات لازم التصفیہ بین
 روس و آلمان ہمانا مسئلہ ایران بودہ چہ علناً در
 نطق خود نایب وزیر خارجہ روس در مجمع تجار مسکو
 اظهار داشتہ « مشکلات بزرگ در ایران جلو روس از
 دیپلماسی آلمان در پیش است و چارہ جز تعیین
 منطقہ نفوذ آلمان در ایران دیدہ نمیشود و این
 مسئلہ بین وزارت خارجہ دولتین بطور داخوای
 زیر بحث و پیشرفت مینماید ، این نکتہ گویا بطریق
 نیم رسمی دولت آلمانرا در ایران بہ سومین حصہ
 دار تسلیم نمود و این برخلاف معاہدہ روس
 و انگلیس و یادداشت های بدوی آلمان بدولت

ایران است کہ هیچ دولت را جز خود شان در
 ایران دارای حقوق پلنسی قرار نمیدادند ، در این
 مسئلہ نایب وزارت خارجہ روس دولت آلمانرا ہم
 در حقوق پلنسی و تجارتی ایران ذبحق تسلیم نمودہ
 و از اینرو در فکر تعیین منطقہ نفوذ وی و اتصال
 راہ آهن بغداد براہ آهن مجوزہ خودشان در خلاف
 عہدنامہ با انگلیس کہ پای بند شدہ بودند در حصہ
 آزاد ایران ہم مر دخاتی بشود باید بہ شور دولتین
 باشدہ برآمدہ ، چہ راہ آهن بغداد الحاق براہ آهن
 مجوزہ نمی شود جز بدخالت در حصہ آزاد ایران
 مسلمہ جہانیان است کہ امروزہ آلمان در صدد
 ملک گیری و ازدیاد کالونی و الگمی با بدالشرقین
 در ایران نیست ، و از اینرو ہرگز زیر بار تعیین
 منطقہ نفوذ خود نتواند رفت کہ اگر منطقہ نفوذی
 برای خود قبول نماید در آنیہ توقیات تجارتی آلمان
 کہ ہمہ روزہ در ہر نقطہ از نقاط ایران در ازدیاد
 است محدود خواهدگردید آلمان ہمین قدر خواستگار
 بود کہ در ایران بدون معارضہ دیپلماسی کہ ممکن
 بود بہ مشکلات سیاسی دوچار گردد او را سومین
 حقدار تسلیم نمایند اینک دولت روس کہ خویشتن را
 حصہ دار بزرگ جلوہ میداد حق مذکورہ را تسلیم
 نمودہ اسکایسانہم امروز نہ فردا بخوشی یا ناخوشی
 چنین حق را برای آلمان تسلیم خواهند نمود و

همینقدر که این حق برای آلمان تسلیم شد ایران از تقسیم دولتی محفوظ و باب تجارت بروی جمیع ملل بالمساوات باز تواند ماند.

چنانچه مکرر نوشته‌ایم آزادی تجارت منحصر در فرستادن مال تجاره نیست امتیازات از قبیل راه آهن و کار کردن در مادن و دادن قرض و گرفتن مستخدمین از دول و امثال آن تمام در آزادی تجارت يك مملکت شامل و عبارت ساده تر حقوق تجارتي و سیاسي توام و افشاکس غیر میسور است، چیزیکه این نکته را ثابت میکنند هاما اشاره بایب وزارت خارجه روس است که تصریح بمشکلات پلنکی در ایران از دیپلوماسی آلمان میباشد، از اینرو میتوان گمت که حقوق پلنکی آلمان را که جزء تامه حقوق تجارتي شناخته شده روسیان در ایران تسلیم نمودند و بقیده کسایکه حقوق تجارتي و پلنکی را فرق می‌نهند در حقوق تجارتي آلمان که دولتی متعاهدتین عذری نداشته بلکه در همان عهدنامه خود آزادی تجارت ایران را بروی جمیع دول بالمساوات تصریح نموده بودند، نائب وزیر خارجه روس حقوق پلنکی آلمان را هم در ایران تسلیم نمود، اما ایرانیان که بیوج وجه بایبندی خودشان را بمعاهده دولتی تسلیم نه نموده و نمیتوانند خود حقوق تجارتي و پلنکی کلیه ملل و دول را در ایران بتساوی قرار داده اند، مسلم است که برای ابطال دعاوی دولتی (در انحصار حقوق پلنکی) دخول آلمان را در حوضه پلنیک ایران در این موقع فشار همسایگان از نهای غیر مترقبه خواهند پنداشت، باقی ماند انگلیس. ظاهراً است که دولت انگلیس پس از آنیکه شریک بزرگش روس چنین حقی را برای آلمان تسلیم نمود او نمیتواند منفرداً رد نماید و در صورتی هم که بخواید پای بیفترد در مقابل روس و آلمان و ایران و عثمانی که قطعاً این نکته را تسلیم دارند انگلیس را کاری از پیش نتواند رفت، و پس از مناقشات و کدورات بسیار مضر با آلمان عاقبت

مجبور بقبول آن خواهند گردید، در آن حال هیچ لازم به بیان نیست معاهده دولتی روس و انگلیس مدفوز یا (کالت لم یکن شیئ مذکوراً) خواهد گردید، چه اساس معاهده ظاهراً تقسیم حقوق پلنکی ایران بین دولتی و اصلاً جلوگیری از نفوذ آلمان در وسط آسیا بود، که هر دوی این نکته از تسلیم بمقوق آلمان در ایران زائل گردید، سایر ارکان این اتحاد که مقدونیا و بالکان و ثبت و افغانستان بودی قبل از فیصله امر ایران دست از هم برداشته بود، در این صورت اگر رسماً هم معاهده دولتی باطل نشود عملاً باطل گردیده است، ولو هم باطل نگردیده باشد فقط دولتی میتواند در حدودیکه برای جلوگیری از نفوذ یکدیگر نموده اند محدود ماند و آن فشاریکه توام با ایران وارد می‌آوردند جبراً معدوم خواهد گردید و اگر درست عور شود دیده خواهد شد که روسیان بزرگترین خدعه سیاسی را بکار دولت انگلیس برده اند. و عنقریب نفوذ سیاسی و تجارتي او را از وسط آسیا معدوم خواهند ساخت بلکه هندوستان در تهدید دو رقیب بزرگ انگلیس (روس و آلمان) خواهد اوفتاد. بی این بود سهو سیاسی سر آوردگری که هنوز هم دارد تعقیب میباشد و بی دربی مرتکب، سهوهای سیاسی دیگر میشود و هیچ بعید نیست که روسیان از حیث سرمایه در راه آهن بغداد با آلمان شرکت نمایند در آن صورت اسکلیسایکه هوادار اتحاد با روس بوده خواهد دانست که چه خطای عظیم نموده اند

(خیالات آلمان در وسط آسیا)

چنانچه مکرر نوشته ایم دولت آلمان امر روزه جز ترویج تجارت خود در وسط آسیا منظوری ندارد و بزرگترین آله پیشرفت مقاصد وی راه آهن بغداد است. لازم به بیان نیست که آلمان علاوه بر خط آهن بغداد امتیاز امتداد شعبه از راه آهن موصوف را با آسیای صغیر عثمانی هم دارد و از دو

طرف مشغول بکار است. توجه آلمان این است که خط راه آهن را از خاقین بکرمانشاه و همدان و از آنجا بطهران و قزوین و ارومی و سلماس وصل کند برای راه آهن آسیای صغیر تا راه آهن اروپای و درازا از آسیای صغیر از داخله ایران هم وصل نموده باشد. روسیان رضا باحلاق راه آهن بخداد بخط آهن مجوزه خودشان داده اند و گویا خواهششان این باشد که از خاقین بکردستان و خونی و ارومی و سلماس ملحق به راه آهن آسیای صغیر شود و غرضشان از تعیین منطقه نفوذ آلمان گویا این باشد، تا راه آهن بادکوبه از ساحل دریای خزر گذشته برشت و انزلی و شهرهای طازندران را طی کرده بزوین و طهران و اصفهان ویزد بگذرد. ولی مضمون بیست که آلمان از نقشه اولیه که بهترین طریق تجارت برای اوست صرف نظر نماید.

از چند سال باینطرف که آلمان چه بااصاله و چه بواسطه عثمانی درازدیاد نفوذ خود در آذربایجان مساعی جبهه بکار می برد تمام مبنی بر همین نقشه است که راه آهن آسیای صغیر را از تبریز و کلیه ایالت آذربایجان که مصورترین ایالات ایران است گذرانده وصل برای راه آهن بخداد نماید. ازین خیال بواسطه تسلیم روس گویا تا درجه آسوده گردیده عطف توجه خود را بجانب شعبه دیگر راه آهن بخداد که باید متصل بخلیج فارس شود نموده است. چنانچه از تلگرافیکه در برلن و اسلامبول اشاعه یافته دولت عثمانی متعهد گردیده است که راه آهن بخداد را تا ساحل خلیج فارس برساند و امروزه کلیه توجه آلمان مصروف به تصفیه این نکته است. این راه آهنی که متمم منظورات آلمان میباشد این است که از بصره یا فو راه آهن را وصل به محرمه و شوشتر و دزفول و اصفهان نموده از آنجا بشیراز و بوشهر به ساحل خاتمه دهد و یا از خاقین به لرستان و محرمه گذرانده بهمان ترتیب اولیه تا بوشهر برساند.

اشکالیکه برای آلمان ملاحظه میشد همانا داخله شدن در منطقه نفوذ روس بر حسب معاهده دولتین بود گویا حل آن مشکل از ملاقات امپراطورین گردیده اما در شبهه ثانی راه آهن بخداد بتسبیکه ذکر نمودیم چندان اشکالی برای آلمان در پیش نتواند آمد. چه این شعبه راه آهن چنانچه ذکر کردیم هیچ ربطی بمنطقه نفوذی که انگلیسان برای خود معین کرده ندارد، و تمام از آن حصه آزادی میگذرد که روس و انگلیس بی طرف قرار داده اند فقط یک دعوی بی اساسی انگلیسان «آنها بعد از امضا و خارج از معاهده روس» پیش نمودند که در خلیج فارس چون صد سال است ما دارای منافع عظیمه هستیم باید همان اولویت اولیه ما باقی ماند.

ظاهر است که دولت روس که فقط معاهد با انگلیس هم بود این دعوی را نه بذیرت چه رسد بدول سائره خاصه آلمان که منافع آتیه آن منوط به آزادی تجارت در خلیج فارس است. مسلم است پس از آنیکه دولت روس رضا بدخالت دولت آلمان در منطقه نفوذ خود داد هیچ عذری نتواند آورد و نخواهد آورد که آلمان راه آهن خود را در حصه بی طرف جاری دارد. و چون ایران هم با آن نژیکه بتازکی از یادداشت سرادوردگری حاصل نموده مبتلا بنشار سه دولت یعنی روس و عثمانی و آلمان شود ناچار در دادن امتیاز بدولت آلمان خواهد گردید. در آن صورت انگلیسان تاب مقاومت با رقیب خود در خلیج فارس خواهند آورد؟ هرگز. ناچار سبب انداخته و بقول خود ثابت از اولویت صد ساله خویش گذشته و از یک سبب سیاسی سرادوردگری مبتلا بزبانات اقتصادی و سیاسی تا قرنها خواهند شد و هندوستان را در تهدید دو رقیب بزرگ خود آلمان و روس خواهند انداخت. نقشه آلمان آنچه از قرائن ظاهر است این است که مشکلات را یک یک از پیش پای خود بردارد، چنانچه اول کاریکه نمود فرستادن کیسیون راه آهن بخداد

« صلاح انگلیسان چیست »

باخان سیاستون آنچه را در فوق ذکر نمودیم حتمی الوقوع است قطب چیزیکه هست نمیتوان تصریح بوقت آن نمود. ولی ما نظر باطلاعات واسعة خود همین قدر میتوانیم گذشت که پیش آمدهای مذکوره در منهای سرعت است. عامه سیاستون انگلستان (سوی سر ادوردگری) بدو دانسته حلاً نیز مزید بر اقبالشان شده که روسیان متحد بانگلیسان نخواهند ماند و بزرگترین خدعه سیاسی را در این معاهده بانگلیسان نمودند. چون روس دید که آلمان هم تن بقوای عثمانی میکوشد و بزرگترین صدمه که برای روس در آیه منصوراست از عثمانی میباشد. خویشتن را لاجل اتحاد آلمان دیده چه میداند تا وقتیکه دم از اتحاد آلمان زند عثمانی در فشار وی نکوشد و شرکت عثمانی در اتحاد تلافی برای هیچکس جایزه نهدارده و نیز بر احدی پوشیده نیست که دولتین آلمان و عثمانی در شامل نمودن ایران در دایره اتحاد خودشان کوشان میباشند چه اگر ایران هم در دایره ائتلاف آلمان در آید کلیه مسلمانان دنیا اهم بر اینکه وطایب هر دولت باشند قلباً متوجه بآلمان خواهند گردید. ارباب سیاست نیکو میدانند که توجه عامه مسلمانان بآلمان چه نتایج وخیمه برای انگلیسان در آیه تولید تواند نمود ایران باتفاق جمهور مسلمانان مرکز و بجای قلب اسلام است توجه ایران بآلمان توجه عموم مسلمانان را بطرف آن مسلم میدارد. انگلیسان دانا در این موقع نازک بجای اینکه در جذب قلوب ایرانیان بکوشند بیک یادداشت نفرت زا قلوب عامه ایرانیان بلکه مسلمانان دنیا را از خود متنفر ساختند معاهده روس وانگلیس اگرچه مودت نفرت ایرانیان گردید ولی بمواعیدیکه در فصول آن عهدنامه گنجانده شده بود و فطقیهای عدیده (سر ادوردگری) تا درجه بر ریشه امیدواری آنان تیشه نمی زد، این یادداشت یک دفعه قطع امید ایرانیان را از انگلیسان نموده و به تقسیم وطن محبوب خود ایقان کرده اند این است که سر تا با تکران حرکات انگلیسان گردیده فقط منتظر وقت و موقع اند، یعنی هرگاه انگلیسان از نفرت عموم مسلمانان از صرف یادداشت متنبه نشده ایران را ضعیف دهنه بعملیات آن یادداشت اقدامی

(باید روت) وکیل دج بانک بطهران بود. ظاهراًست که آلمان در آن موقع نتیجه که باید از مقصود خود ببرد یعنی جلب توجه ایرانیان بطرف خود یا حصول امتیاز راه آهن در آت حصه بی طرف برده یا جزی مهبری برای خویش گذارد. ساکت نشست. ورنه آن همه هیاهو در ورود سید روت بطهران و دست یابی دولتین و پیش نمودن یادداشت توام بایران بی معنی بود. از بریتانیای روس و انگلیس ظاهر گردید که سفرای دولتین از همان وقت یا قبل از آن بی مقاصد آلمان برده بودند از آت بعد برفع اشکال شمولیت در منطقه خود روس کوشید که نتیجه اش را فوقاً ذکر نمودیم. بانک که سایر مشاغل را از جلو خود بر داشته منصف بطرف خلیج فارس شده انگلیسانرا سراسیمه ساخته است. که از یک طرف بدون حق و بلا ضرورت آن یادداشت دل خراش را بایران فرستاده که از بوشهر تا اصفهان را تحت پلیس خود دارند و بخیال خود جلوگیری از راه آهن بغداد در رسیدن به خلیج فارس بنماید، از طرف دیگر برخلاف دوستی و مودت و حق هم جواری در چنین موقع نازک بسردار ارفع که نوکر خامه دولت ایران است بدان یک نشان بسیار مختصری کوشیدند، بر فرض هم که انگلیسان از دادن نشان بسردار ارفع خیالشان دگرگون نباشد ولی در چنین موقع نازک اقدام بچنین امری چه اثر عمیق بر خیالات ایرانیان تواند بخشید؟ و خارجیان چه تصور تواند نمود؟ نتیجه این حرکات آن شد که سیصد و بچاه میلیون نفوس اسلامیه را دولت اسکلیس از خود منور ساخته قلوب همه را بطرف آلمان معطوف داشت. و آلمان را هم پیش از پیش متوجه بخلیج فارس کرده از یک طرف قونسل مخصوص (که تا امروز نداشت) به بوشهر کسبل و از طرف دیگر دو جهاز بر جهازات تجارتي خلیج فارس افزود، پس از آنیکه آلمان خویشتن را از این دغدغه هم رها نید آن وقت سریعاً به تکمیل راه آهن بغداد و شعباتش کوشیده در عرصه چند سال دارایی اولین اقتدار در وسط آسیا خواهد گردید

نمایند. دولت ایران نیز مجبور گردیده حفظ استقلال خود را در شمولیت بدائرة اتحاد آلمان و عثمانی ولو بتبوی زیانان عظیمه باشد خواهد دید. ولی اگر انگلیسان حالا هم بخود آمده قبل از آنکه تیر از شصت رها شود عملاً بدلبوی ایرانیان کوشیده جداً در اخراج قشون بیگانه استاده و همراهی در اصلاح مایه بایران کرده قطعاً ایرانیان محبت اولیه انگلیس را که کاملاً هنوز از قلوبشان زایل نشده در دل خود جای خواهند داد. نه تنها شامل در دائره آلمان و عثمانی نخواهند گردید بلکه در جلونفوذ دیگران با انگلیس همراهی نموده و برا در خلیج فارس هم گونه تأییدات خواهند نمود.

انگلیسان باید بدانند که در معیت ایران با عثمانی و آلمان در حفظ منافع خود در خلیج فارس مقاومت کردن امریست دشوار بل محال. ولی در صورتیکه ایرانیان با آنها معیت داشته باشند ذره از منافع شان در خلیج فارس ضایع نخواهد گردید. بزرگترین سد سدید در جلو آلمان در خلیج فارس ایرانیان توانند شد. و اگر انگلیسان با یک سهو سیاسی این سد را از جلو دشمنان تپشته ناماقتبند اندیشی بر کنند در آینده ملامت نکنند مگر خودشان را امروزه اقتضای سیاست چنان میباید که ایران ولو با دشمنی انگلیس هم باشد حفظ استقلال خود را تواند نمود ولی انگلیسان بدون تأیید ایرانیان حفظ منافع خودشان را در خلیج فارس بلکه هندوستان نتوانند کرد.

لذا در اصلاح مایه ایران بمخیالات واهی و جلب منافع موهومی نباید تا ایندرجه ایرانیان را در شوق آرند. عبرت باید گرفت از فرانسه و انگلیس در تضییقاتیکه عثمانی در خصوص استقرار نمودند. نتیجه آن شد که دیدند. هرگاه ایران هم ابواب چاره خود را مسدود بیند لاعلاج مانند عثمانی بفرک دیگر خواهد افتاد.

و این نکته را هم از نظر دقت دور نباید داشت که مطالبات کنونی روس و انگلیس از ایران بدرجه نیست که ایران بتواند بیک استقرار هر دوی آن را ادا نماید و بند عبودیت را که نزدیک است از فشارش خفه شود از گردن خود بردارد. تمام قروض ایران اهم از دولتی و

غیر دولتی به شش ملیون ایرا نمیرسد و بیش منافع عظیمه که دیگران در ایران مدنظر دارند این قبل وجه قابل ذکر نیست. ایرانیان فقط عمرات دوستی همایگان و اطمینانیکه به مواعید متوالیه به آنها داشته بدیگرانت رجوع نه نموده اند و هرگاه خویشتر را مجبور یافتند لاعلاج بدیگران رجوع نموده و قطعاً مقضی المرام هم تواند گردید. در آن صورت انگلیسان جز کف انوس سودش سودی نخواهند برد.

این نکته هم مستور نماید که چون موضوع رقابت امروزه خلیج فارس است که کاملاً انگلیسان حاوی منافع خود میگویند و قرضه که ایران از بانک شاهنشاهی یا قروض اولیه که دولت دارد تمام به یک ونیم ملیون نمیرسد. چون امروزه روس با آلمان در آشتی میگویند بعید نیست که برای قرضه خود اصرار نکرده بیک قرضه مختصری نفوذ بانک شاهنشاهی و ابرادات سفیر انگلیس و کرکات جنوب وغیره را مرتفع دارند. در آن صورت اگر ایران کرکات جنوب را نزد دیگران برهن گذارد انگلیسان را چه اعتراض قانونی باقی تواند ماند. و اگر بنای زور گوئی بگذارند با اتحاد با عثمانی و آلمان چه از پیششان تواند رفت. خوب است که دانایان انگلستان بر این نکات دقیقه غور فرموده. اگر همراهی بایران نمایند بیش از این ایرانیان را منقور و مایوس از خود نسازد و بدشمنی و ندارند چه مدافع حقوق انگلیس در خلیج فارس جز ایرانیان نتوانند شد.

(ایرانیان غور کنند)

از ملاحظه عنوانات فوق خیلی از مطالب دقیقه بر ایرانیان ظاهر تواند گردید حالا باید فکر کنند که نفع آنان در چیست؟ این نکته مسلم گردید که غرض از معاهده روس و انگلیس جلوگیری از نفوذ آلمان و علت اینهمه فشار های بی در پی همایگان تحصیل امتیاز راه آهن ایران بود. ایرانیان که تا این پایه استقامت ورزیده و استقلال نشان داده اینک که نسیم فیروزی از هر سو شروع بوزیدن نموده باید از خود داری باز نیابند و غرض همایگان را دانسته حقوق خویش را بشناسند و بدانند که دادن امتیاز راه آهن به همایگان همان و تقسیم و خاتمه استقلال ایران همانست. خیلی بسهولت

هم خوبستن را بجزنگال دیگران نیاندازند و خود را ارزان ن فروشند همین قدر بدانند که آلمان و روس و انگلیس بیشتر محتاج به آنانند تا آنان با آنها و قدر خود را بدانند که ازین و بعد ایران با هر دولتی که اتحاد نماید کفایت سیاست آن دولت در تمام آسیا و سائیرین خواهد چربید

ایرانیان تا وقتیکه ایقان بخطر استقلال خود ننمایند مقرون بصرفشان نیست که در دائره هیچ ائتلاف واساتی شامل شوند، ایران باید يك یا ایستاده راه آهن داخلی خود را با صوابیکه سابقاً نگاهشتم یا خود یا باختیار خود بیرالمللی تعمیر نماید ازیکطرف وصل براه آهن بغداد و از طرف دیگر راه آهن ترکستان و قفقاز و خلیج فارس و هند آنها دهند و اداره مرکزی آن در ایران و پلیس محاسط راه آهن هم ایرانی باشد، این نکته هم رقابت را از میانه دول مرتفع می سازد و هم کلیه دول را بحمایه ایران مجبور میدارد، در آصورت نه تنها همسایگان در اضحلال استقلال ایران نخواهند کوشید بلکه برای حفظ منافع خود شان در آسیا در تقویت و حمایه ایران جد وای خواهند نمود که دولت ایران بتواند مانع از تصادفات عظیمه سیاسی و اقتصادی آمان گردد. ایران، تاج آسیا و شائین میزان سیاست اروپ و آسیا واقع خواهد گردید

ایرانیان راست که حسن عاقبت و بلندی مقام و مرتبت آید خود را دیده و نه جاپلوسی این و آن و تشرهای همسایگان خود را باخته استقلال و استقامت نموده عرض حیات و وجود کرده برایگان آن حسن استقبال و آن همه مراتب عالیه را از دست ندهند. ایرانیان راست نه از حالا ملتفت حقوق حق و منافع عظیمه خود شده ارا از حیات داده فشار ب مجلس و کابینه آورده تا در مقابله خواستهات بجای همسایگان جواب صحیح که عدم رضایت ملت باشد بدست شان بوده ست عنصری نه نماید و خضوع و خشوع ایرانیت که از در باز ملکه ما شده دور دارند، ایرانیان بدانند که حفظ استقلال و حسن استقبال ایران بسته به استقامت در عدم امتیاز راه آهنی است که همسایگان مد نظر گرفته و بدون آنکه ما را صاحب هیچ حتی تصور کنند و اعتنائی با داشته باشند و پرستش نمایند میدان

رقابت را بین خود آراسته ما را مرده بنداشته مشت بر کله یکدیگر میگویند ایرانیان بدانند که دو راه جهنم و بهشت در جلو شان آمده هرگاه استقلال بخرج داده و قدر مردانگی علم و همت نموده راه آهنی که امروزه موضوع رقابت این و آن شده در ید افتداری خود گیرند طریق بهشت بوئیده و راه جنت نصیب را برای خویش صاف نموده اند ورنه بدرک اسنل اضحلال و جهنم عبودیت و اسارت رهسپار ابدی خواهند بود، جمیع طبقات ایران از تأجر و کاسب اعیان و اشراف زارع و صانع حتی طبقه روحانیه ملت باید با تمام دقت در این مسئله اهم صرف وقت و نظر فرمایند و وزرا را از بیداری و تنبه خویش قبل از وقت متنبه نمایند که مبادا قافیه را باخته و تیرشان از شصت رها گردد مقام منبع ریاست روحانی اسلام راست که در این مسئله اهم که مربوط بمجهات استقلالی ایران و اسلام است با جدی وای و جهدی کافی حصه گیرند و مجلس دار الشورای ملی و کابینه وزرا را قبل از وقت متذکر سازند و اگر ایرانیان عبور همت کارند و از روی سر شاری در جمع سرمایه این راه آهن بکوشند مشروط بر اینکه ملاحظات پارلی بازی و عداوتهای شخصی و همجشی یکدیگر را حکنار گذارند و در این موضوع مقدس که اساساً حافظ استقلال اسلام است بذل جهد کنند کمان نبرود که از انجام يك چنین امری عاجز و ناتوان مانند، ایران که بر حسب سر شاری جدید دارای شصت کرور نفوس است در عرض پنج سال فراهم نمودن بیست و يك ملیون لیرا که تخمینه مصارف راه آهن مجوزه روس و انگلیس در ایران شده، بخوبی میتوانند پرداخت، فقط چیزی که میخواهند اطمینان است اطمینان که در جنس ایرانی بهم جنس خودش حکم عتقا و کیمیا را دارد،

ما امیدواریم که والا حضرت ناصر الملک نایب السلطنه ایرات در این زمینه آنچه نگاشته شده و یا بشود بنظر غور و دقت بنگرند و يك نقشه صحیحی که جلب اطمینان ملت را کاملاً بتواند نمود من غیر رسم بکسانیکه میدانند پیش فرمایند

(شاید این پیشه برآرد بر و بال)

« تلگراف غیرت مندان شمال »

(به اهالی رخطه جنوب)

اصفهان ، انجمن محترم ولایتی و سرکردگان غیرتمند بمختیاری - شیراز ، انجمن محترم ایالتی حضرت اجل آقای صولت الدوله سردار و سایر سرکردگان حیت مند ایل جلیل قشقائی - بوشهر ، انجمن ولایتی - کوییه جریده شریفه مظفری - عمره ، جناب اجل آقای سردار ارفع - شوستره آقایان علماء و رؤساء ، جناب اجل آقای سردار اشرف والی ، و حضرات علماء و اعیان و تجار و اشرف و کسبه و اصناف و رؤسای مجامدین عبور و مرور ملت با غیرت ممالک محروسه ایران ایدم الله تعالی (ناله را هر چند میخواستیم پنهان در کنیم)

(سینه میگوید که من تنگ آمدم فریادکن)

بمقتضای آنکه آذربایجانها در هر دوره و در هر تاریخ در طریق فداکاری در بوم شدت و رخا پیشقدم ترین اولاد ایران بوده جان و مال و خانمان را تقدیه حفظ حقوق هموطنان خود نموده اینک با فریاد دلشکاف تمامی نفوس زکیه اسلامی و ملت با حیت ایران را بیازی و امداد وطن غرقه بخون میطلبند

ای رؤسای روحانی ، ای علمای ذوی الاحترام ، ای تجار با شرف ، ای اعیان با همت ، ای سرکردگان ، ای دلاوران ایلات و طوایف ایلات که نام و نشان شما سر لوحه تواریخ ملل عالم است وطن عزیز ما مدفن و اماکن ما از دست میرود ، تجاوزات و تهدیدات ما مشروع اجانب از حد گذشته موقع حفظ ناموس ملی است ، ملیت ما محفوظ نماند مگر باستقلال وطن و استقرار دولت محبوبان ، استقلال وطن میسر نیست بجز بترک نفاق و نوسل بمجله المتین اتحاد ، جا دارد همگی خون گریسته و جامه برتن دریم و تنگ این اسارت بر خود نپذیریم که هموطنان غریب ما از بلاد خارجه سنگ غمخواری بسینه زده ، التی میتم ناگوار دولت انگلیس را حاضر نشان ما میکنند که عدم امنیت حدود فارس را دست آویز نموده و در صدد حلول عساکر انگلیس هستند ، چه بد بختی بالاتر از این خواهد بود در اینموقع که آذربایجان با تمام قوای خود در صدد رفع بهانه است که از این فشار خلاص گردد ، خدای بخوانسته سمت جنوب

وطن عزیز ما دچار فشار دیگر شود ، ابرایش مال ایرانیان است و این نام شش هزار ساله برای ما بسی فاخر ، هنوز راه جاره مسدود نگردیده ، هنوز خون ایرانی منجمد نگشته با همان همت و رشادت جامعه ملیه که خود را از قید اسارت نجات دادیم بهمین زودی مبرم خارجی را هم که داعی امنیت و ماحی استقلال ما است میتوانیم از خود برانیم و بعد از این همه هدر دماء و هدم اموال دست بسته دول خارجی نشویم ، وسیله این موفقیت همت و رفع اختلاف داخلی است که مقاصد خارجی و ضدیت عنسارین مشروطه و استبداد و تصویب فرق مختلفه سیاسی را که سم مهلك است چندی بیک سونهاد و دست اتحاد بهم داده غیرت و معرفت ایرانیت را بروز دهیم ، معاوت از دوات محبوب خود نمائیم ، در اتحاد و اجتماع قوای قاهره ملیه بکوشیم ، عقاید خود را از روی حقیقت متفرق سازیم تا سفینه درهم شکننده وطن را بساحل نجات رسانده و اسیر بند و بلای خارجی بهر عنوان که باشد نشویم ، روز همت است روز غیرت است ، آخر دواى ما اتحاد است ، اتفاق ای برادران! ای پیشوایان قوم رحمی و مروتی بحال وطن نماند و نگذارید عدم تفاق خود مانع بنای استقلال مملکت را متزلزل سازد که افسوس بعد ما حاصل و نتیجه نخواهد داشت ، والسلام علی من اتبع الهدی نمره ۳۳۰۰ انجمن ایالتی آذربایجان ۱۰ ذقعدہ سنه ۱۳۲۸

« خطابه یکی از دانشمندان بخوانین »

(و رؤساء عشایر جنوب)

قال الله تبارك و تعالی، ان الملوك اذا دخلوا قرية افسدوها و جعلوا اعززة اهلها اذلة ای فرزندان آب و خاک ایران ، ای پیروان دین حنیف اسلام ، ای اشخاصیکه ابا عن جد آقائی و بزرگی نموده اید وقت بروز حجت اسلامی است چراغ حیات استقلال و دیالت اسلامی و مذهب جعفری نزدیک بخشاموش شدن است نزدیک است ما را مانند ملت یهود حواری و ذلیل بی والی و امیر بمنزله ضربت علیهم الذلة والمسکنة بگردانند ، بی حس ترین مللی عالم ملتی است که نعمت خدا داد استقلال که نتیجه زحمات آباء و اجداد ایشان است از دست داده طوق عبودیت اجالب خاصه دشمنان دین و

مذهب را در گردن انداخته قرنها اخلاف خود را
 عید ذایل بیگانهگان گردانند، بی عبرت ترین افراد
 انسانی کسی است که در هنگام ظهور علیه دشمن
 و اضمحلال دولت و مملکت خود مشغول غرض رانی
 و نفاق گردد یا آنکه ساکت و بی حس نشسته منتظر
 اسارت و عبودیت گردد، بخدا قسم اگر دست از
 صروة الوتقای اتحاد و اتفاق کشیدیم عن قریب بجای
 خواین و رؤسای ایران نژاد لارد مای اجاب
 فرما روا میشوند، بجای علماء کشیشها مافذ الحکم
 میگردند، بجای ادان ناقوس زده میشود، هیچ مسلمانی
 نمیتواند جلوگیری از ارتداد پسران و دختران خود
 نماید، ای زرگان و سران و سروران ایرانی از رحال
 و حکمرانان و کلاتران قفقازیه و هندوستان عبرت
 بگیرید، اول کسی که گرفتار بجهت سیاست و عقاب
 خواهد شد شما صاحب اقتداران خواهید بود، اول
 کسی که شاه نشین میشود شما علماء خواهید بود،
 پست ترین ناس و ردل ترین اوامش را عزیز و
 محترم می - سازند و عزیزان و بزرگ زادگان
 را حار و بی اقتدار میبایند، امروز نفاق استقلال
 ایران نفاق اسلامیت و دیانت حقه جعفری منوط
 باتفاق و اتحاد است، باید دولت و ملت عموماً
 بکلمه واحده و بهیئت متحده در جلوگیری به - امة
 خارج و حفظ امنیت مساعی حیدله مبتول باشیم،
 دولت را یاری و مددگاری باشیم، گول اجاب نخوریم
 که این ماران خوش خط و حال اول زهر مهلك
 خود را بحمان شما زرگان میریزند، کاری نکنیم که
 بدنامی ابدی و سنگ تاریخی ماسم ما برقرار باشد،
 راضی نشویم که بواسطه اعراض ناشیه از جهل و
 حسد و عناد خود را از درجه مخدریت و آقانی
 بمرحله حادی و اخلاف خود را جاروب کن اجاب
 گردانیم، وقت بروز حیت، زمان ظهور همت و فتوت
 و جوان مردی است، بخدا قسم نزدیک است دوچار
 لن ابدی و سحط خالق و فرین صاحب شرع شویم
 ای مسلمانان عبور، اجاب بواسطه نفاق ما حصور
 شده میبخواهند، دولت کریمه عزیزه اسلام را مضمحل
 نمایند، میبخواهند مسلمین را مانند یهود گردانند
 جقدر برای ما سنگ و مار است که تمام مسلمانان
 طام و برادران اسلامی ممالک عمان و مصر و افغانستان
 و ترکستان و خوس و ترابلس و الجزیره و مسلمانان

هند برای استقلال ما فریادها بزنند، تقلاها نمایند
 جماع بر پا کنند، بدول غاصبه بهاء جو اعتراض نمایند
 و ما خود مان در خواب باشیم و هیچ حرکتی
 ننماییم، آخر بی حسی تا کی بی عبرتی تا چند اگر از
 تلکرافات حجج اسلامی حس ملی و عرق حیت
 شما با بجهوش نیاید و هنوز مسامحه و عنایت ننماید،
 باید گفت و علی الاسلام السلام و السلام، علی من التبع
 الهدی و شید ارکان دول الاسلام و رحمة الله و برکاته
 ➤ سواد دستخط تلکرافاتی حجج اسلام ➤
 (علماء و امراء و رؤساء عشایر)

(و ایلات ابراه)

۲۷ عقرب - از قصر - توسط مجلس محترم ملی
 سایر بلاد توسط انجمنهای ایالتی و ولایتی
 خدمت عموم آقاییان حجج اسلام و قاطبه وزراء
 و امراء علماء و تمام طبقات ملت ایران دامت تابدانهم
 با آن جمله داخله دو همسایه باستقلال ایران اساس دینت
 اسلامی، منزلت محض دفاع عجمه تقدیم پروتست نامه
 از طبقات ملت بفرمان دول معطمه واجب است
 جناحه داعیان هم فرستادیم، از ناحیه مختلفه اسلامی
 حتی تونس و جزایر تاتار در اسلامبول مجتمعاً برای
 دفاع از ایران چه اقدام اسلام برستاء کرده آیا
 غیرتمندان خود ایران باز هم با این حالت حالیه و
 شیوع نفاق و رقابت و اعراض و سایر موجبات
 تفرقه کلمه خود را آلت دست دشمن کرده در محو
 اسلامیت و استقلال مملکت خواهند کوشید، فیا ما
 من مصیبه (محمد کاطم الخراسانی)
 (عبدالله المازندرانی)

همچنین ایضاً

۲۷ عقرب - از قصر - مجلس محترم شورای ملی
 شیدالله ارکانها، توسط هیئت مجتهدین عظام ایدمه الله
 تعالی
 عموم امراء و سرداران عظام و رؤساء عشایر و
 ایلات و طبقات ایالات را بسلام وافر مخصوص میداریم
 در این موقع خطرناک دشمنان دین اسلام اغتشاشات
 داخلی ایران را بهانه نموده از جنوب و شمال به محو
 استقلال ایران و هدم اساس مسلمانی حمله آور شده
 اند البته حمایت از حوزه مسلمین و تخلیص ممالک
 اسلامی از تشبثات عمده اجنبیه فریضه زمه قاطبه
 مسلمین و متدینین و اهل قبله و توحید است و

اجتایب این اغتشاش علاوه بر تمام مفاسد دنییه و
 دنیویه آن چون موجب استیلابی ~~سکفر~~ و ذهاب
 بیضه است لهذا محاربه و معاهده با صاحب شریعت
 علی صاعها افضل الصلوة والسلام است، بر تمام امراء
 عظام و طبقات ملت لازم است که در تخلیص ممالک
 اسلامیة از نشبئات اجانب با دوات موافقت نموده
 بدنامی و لمن ابدی و محو اسلام را بوسیله رقابت
 و نفاقهای داخله و اغراض شخصی و جنگهای
 خانگی بر خود روا ندارند انشاءالله تعالی والسلام
 علیکم و رحمة الله و بركاته

(الاحقر محمد کاظم الخراسانی)

(عبدالله المازندرانی)

مکتوب طهران

حالت ایران را بهتر میدانید که در چه موقع
 باریکی واقع شده در این حالت مایه امید بزرگ
 این است که وسیله نجات معلوم و مشهور و محقق
 است که اگر اتفاق کنیم و درکار مجد باشیم اشکالات
 مرتفع و وصول بمقصد آسان خواهد بود ولی
 از طرف دیگر هم مبرهن است که اگر طریق
 اختلاف پیوده مشغول اغراض بشویم محققاً دچار
 طاقت و خیمه خواهیم گردید، بنا بر این میتوان گفت
 که در صراطی از او باریک تر قدم میزنیم دو
 طرف معلوم اولی الجنة اولی النار

به پنجم چه چیز سد راه نموده و ما را از
 پیشرفت رو بمقصد باز داشته است علت عمده
 اختلاف داخلی است اختلافات دیگر را بنده آنقدر
 اهمیت نمیدهم، اختلاف بدتر از همه اختلاف آنهاست
 که در راه آزادی کوشیدند

خلاصه آت که اختلاف دو فرقه
 اعتدالیون و انقلابیون کار را مشکل کرده
 اختلاف آنها چنانکه معلوم است از کیفیت سیاسی
 که در همه جا معمول است بکلی خارج و کار بمعاندت
 و کشمکش رسیده در این زد و خورد گویا مقصد
 اصلی که صلاح مملکت است متروک مانده و بدتر
 از همه آنکه در این مضادت از توسل بوسایل
 مضره هم احتراز نشده و نمیشود در این میان عقاید
 و احساسات طبقات و عموم مردم را خودتاش
 بهتر میدانید بکجا رسیده در کشمکش احزاب گویا
 احساسات و رعایت حال طایفه مورد توجه نمیشود انبیاء

مبعوث اگر خلق را بزور بسوی بهشت میکشیدند
 حق بود سلاطین قاهر اگر خلق را بمنابعت افکار
 میل خود مجبور مینمودند جواره نبود مشروطه و
 حکومت ملی یعنی رعایت احساسات و احتیاجات
 ملت اگر فرضاً کسی خود را بمقتضیات آگاه تر از
 همه بداند باید آنقدر بوسایل مشروعه کوشش کند
 و حقیقت را به ابناء وطن خود بفهماند تا از آنها
 تراوش ~~سکند~~ و الا اگر بوسیله از وسایل حتماً
 اجرای عقاید خود را بخواهد یا باید ادعای پیغمبری
 نماید یا به استبداد اقرار کند

فقط نباید وضع و معاشات که دوفرقه اعتدال و
 انقلاب را در مجلس ملاحظه کرد وضع آنها در
 خارج مجلس بیشتر محل ملاحظه است، زیرا که قوت
 اعمال آنها در خارج ولو دربرده است ولی طوری
 است که در حقیقت مجلس را من حیث هو مقهور
 کرده و از کار انداخته است

مقصود از این مقدمات این بود که مسئله نیابت
 سلطنت بواسطه منازعه بارتی بجه اشکال لا یحل
 غریبی افتاده است، موافق قواعد اصلیة ملل متقدمه
 چنانکه خوب میدانید در مشروطه نمایندگی ملت بهر
 اسمی که موسوم باشد باید از اختلافات بارتی ها
 در کنار و رابطه مابین و محل اعتماد آنها باشد
 تمام بارتی ها و عموم مردم او را صورت ملت دانسته
 و محترم بدانند و بهمین جهت اختیار و مسؤولیت را
 از او بر داشته اند که عضو ساکن و دستگاه
 مشروطه و در انظار علامت ثبات باشد و در زیر
 این صورت ثابت تغییرات بارتی ها و کابینه ها به
 مناسبت تغییرات مقتضیات مملکت در صراط ترقی
 جاری شود و همچنین یکی از اصول موضوعه این
 است که باید کابینه وزرا که نظام امور مملکت را
 در دست دارد بعد از غور در صلاح وقت شخصی
 را برای نمایندگی ملت نامزد کرده و از او
 استمراج نموده به مجلس ملی برای انتخاب پیشنهاد
 نمایند ما چه کرده ایم؟ برخلاف این اصول وزرا
 از این تکلیف حتی خود کناره ~~سکند~~ اند
 و بارتی ها این مسئله را که حتماً میباید خارج در
 اختلافات بارتی باشد بدست خود گرفته بک بارتی
 بواسطه ناصرالملک رای داده و بارتی دیگر که
 حامی وزرا هستند به اسم رئیس الوزرای ~~سکند~~ حالیه

رایحه داده اند يك طرف چهل نفر، طرف دیگر بیست و نه نفر، به اعتقاد بنده ما حالا در اصل مطلب همین که استقلال مملکت واستقرار واستحکام مشروطه است و هنوز بجائی که در صراط پوتیک منتهی شویم نرسیده ایم هیچ يك از پارتی ها پروگرام واضح ویرهنی ندارند جز الفاظ اعتدال و انقلاب دموکرات و غیره چیزی بحث نمی و نزاع را در سر الفاظ می بینیم حکایت غیب و انگور واضح است و سایر این همه آنها را که در راه وطن و مشروطه سعی میکنند دوست میدارم، بر اشتباه و نزاع آنها که مصرات آن در حالت حایه معلوم است افسوس میخورم

اما نیابت سلطنت همه علماء فن میگویند که اولاً اکثریت یازده نفر ابدأ اهمیت به این موقع مهم میدهد تا با انتخاب از روی عرض پارتی شده است و زرا از تشبیه مداخله که تکلیف آنها بوده امتناع کرده اند سهل است که کابینه و پارتی کابینه نیز بمصادف موجوده مابین دو فرقه عملاً معلوم کرده اند که مابین این انتخاب نبودند، این عقیده علماء فن است اما اطلاعات خودمان این است که میدانم اکثریت مجلس با اعتدالیون است ولی پارتی آنها نظام و فعالیت ندارد پارتی اعتدالیون فعالیت خود را ثابت کردند که باوجود اقلیت حکومت را بدست خود گرفته و اعتدالیون را مقهور و مغلوب ساخته بطوریکه دامایان نمیتواند سهمند چکوه متصور است که در مشروطه حکومت بدست فرقه اقلی بیفتد در مسئله نیابت سلطنت اعتدالیون حواسته اند جلب توجه عامه را کرده و علیه بطرف متقابل نموده باشند طرف مقابل هرچند ظاهراً و قانوناً نمیتواند اظهار ضدیت برای مجلس بکند ولی بعضی مصمم برضدیت باطنی هستند و عملاً معلوم است که با اینهمه معادلت دو پارتی قبول این شکست را نخواهند کرد

در چه با شخص ناصرالملک احدی ضدیت ندارد و باقی اق مردم فرقه شامل در هیچ پارتی نبوده و طرف سوء ظن احدی نیست ولی محققاً با انتخاب طرف مقابل خود ضدیت خواهند کرد و بدان مغلوبیت تن خواهند داد و نیابت سلطنت محل نزاع باطنی دو پارتی خواهد شد از

حالا توقعات پارتی ها معلوم است در یکطرف فرقه اعتدالیون که گویا عقاید طبقات خالصه روحانیوت و عموم مردم با آنها همراه است ولی نظام و ترتیب ندارند از طرف دیگر اعتدالیون با نظام و فعالیت و عجزاً با قوت کابینه استفاده اند از حضرت سردار اسعد بختیاری و یفرم خان و مجاهدین که فقط قوت مشروطه هستند امروز اطلاع ندارم که باطناً بکدام طرف مایل هستند فعلاً قوت دیگری دولت ندارد اعتدالیون مدعی اعتدال و ملامت در مملکت اعتدالیون مدعی عجز در رفورم و شدت و فعالیت، طریقه اول گویا مطبوع عامه طریقه نان مطلوب احرار بر شور و مردو فرقه مصمم حدال با وسایل معلومه با یکدیگر، نمیدانم حق با کدام و نتیجه چه خواهد بود ولی ضرر امروزه ایقیناً اختلاف معلوم است موقع نیابت سلطنت در این میانه چه خواهد بود، معلوم است که در دولت مشروطه قوت نایب السلطنه همان است که ملت متفقاً به او بدهد خودش دارای قوت مخصوص نباید باشد در صورتیکه که دو فرقه در کشمکش باشند حتی نایب السلطنه را از ایطرف مداطرف میکشند و چون قانوناً برای عزل نایب السلطنه بملاحظات پارتی وسیله نیست لابد بوسایل دیگر متوسل خواهند شد که موجب انقلاب و خیران حتی مملکت خواهد گردید تا در این درایبکار خطب بزرگ شده است که بقواعد معموله عمل نه کرده اند و نتایج وخیمه آن متحتم است، من باب مثل يك فقره اساسی را عرض بکنم اعتدالیون که اکثریت دارند و از قراریکه میگویند عقیده عامه با آنهاست معتقد به تدبیر کلی یا اقلتاً تغییر جزئی در کابینه حایه هستند اعتدالیون حتی نقای این کابینه را میخواهند اشخاصی که از دور نگاه میکنند افرادی به این کابینه ندارند تکلیف بچاره نایب السلطنه چه خواهد بود؟ اگر تدبیر کابینه را قبول نکنند ظاهراً برخلاف اکثریت عمل کرده و منتهی بطرفداری اعتدالیون میشود اگر قبول کند منتهی بطرفداری اعتدالیون میشود و فوراً اول دعوا است و ظاهر است که در منازعه کسی بدلیل و برهان گوش نمیدهد برهان قاطع یا ثاقب درکار است و هکذا نمیدانم با ایصال کار چه میشود و نمیدانم آئنده چه خواهد شد و ثابت کار چه

خواهد بود

حبل المتین

بطوریکه کاملاً به ما اطلاع رسیده اختلافاتی که محل به استقلال ایران شناخته می شد مرتفع گردیده شامزاده عین الدوله بوزارت داخله و شاهزاده فرما فرما بوزارت جنگ منتخب و تمام احزاب سیاسی و طبقات می ملتفت نازکی موقع و بهانه حوثی همسایگان گردیده دست اتحاد یکدیگر داده در امنیت مملکت کوشان شده و کما فی السابق بین حضرات سپه دار اعظم و سردار اسعد که ریشه کننده استبداد اند افسان صمیمی برقرار و جداً بکارها مشغول و والا حضرت اقدس ناصر الملک نایب السلطنه سربماً طاب شده اند اختلافاتی که مورد خوف بهانه دخالت خارجه گردد در کار رفع شدن است مگر اینکه مجدداً دایکاً مهربان تر از مادر اسباب اختلافی را فراهم کنند که امیدواریم مقضی المرام ننگردد ما با کمال وثوق اطمینان میدهم که احدی از رؤسای استبدال و انقلاب بلکه اگر نملر خود را وسعت دهیم در کلیه افراد ایرانی حضرت اقدس ناصر الملک نایب السلطنه منکر و مخالف ندارد و نیابت سلطنت ایشان را هر دو فرقه فوز عصیم بمشاورند و حاضر اند بصاحب مشقانه و آرای ملک آرای شان رجوع نموده فائده برگیرند امروز جمیع ایرانیان و ایرانی خواهان از هر پارتی و هر طبقه ترقیات ایران را در سایه تدابیر صائبه حضرت اقدس ناصر الملک دانسته منتظر ورود شتاب هستند ناصر الملک اول فدیة راه مشروطیت و بهترین و بزرگترین زر حاص و وطن خواهی است که از بونه امتحانات عدیبه بیغل و غش بیرون آمده است ناصر الملک اول عالم اسلام بمقتضیات زمان و بنگاه فیلسوف با سیاست ایران است اعتمادیکه فرد فرد ملت ایرانیه از هر حزب و طبقه بحضرت اقدس ناصر الملک دارند از یک قرن به این طرف در جنس ایرانی تاریخ نشان میدهد و نه ما سراع داریم از همه بالاتر کلیه دول و ملی هم که با ارتباط روابط سیاسی با اینکه ناصر الملک را اول عالم و مانع خواه با سیاست ایران میشمارند کمال اعتماد و منتهای خوشوقتی را از آن وجود محترم دارند میتوان گفت که امروزه ناصر الملک بنگاه شخصی است که نه در خارج و نه در داخل ایران منکر ندارد و اگر بر فرض منکری پیدا کند نه

اینکه محل توجه عام و خاص نمیکرد بلکه عالیان مفروض و مخرب وطن اش خواهند گفت

اما پارتیهایی مختلف یا احزاب سیاسی ما تصدیق داریم که ایرانیان هنوز کاینچی از مسلک حقیقی پارتی های سیاسی ملل متقدمه آگهی نیافته اند و منکر هم نتوانیم شد که تشکیل پارتی سیاسی امروزه در ایران نادره و بواسطه بعضی زبان رسان نواند بود ولی چه چاره که محرك حسابات منیه جز تشکیل پارتی های مختلفه نتواند شد و مقتضیات سیاسی هم جز بتشکیل پارتی صورت نه بندد و عروقت هم تشکیل پارتیهایی جدید میشد همین هیاهوهای امروزی پیش می آمد ما قبل از آنیکه تنقید مسلک و تصدیق به یک پارتی نهایم با کمال لزوم تشکیل پارتیهایی سیاسی را در ایران لازم دیده بلکه کلیه ترقیات آتی ایران را هم منحصر بهمین تشکیل احزاب سیاسی میدانیم و هر کس حز این عقیده داشته باشد از مقتضیات سیاسی مهجور و بی اطلاع است

بلی چیزی که بر عقلا لازم است نظام و ترتیب مسلک های سیاسی پارتیهایی و حفظ مسالك آنان است که مشوب به اغراض شخصی نگردد و مانند پارتیهایی سابق ما (حیدری و نعمتی) بجای نفع زبان نرسانده و این کار عقلای مملکت در هر ولایت و ایالت و رؤساء احزاب سیاسی است و هر کس هم که بگوید حالا زود بود ایرانیان دو حزب سیاسی تشکیل دهند هیچ فرق نخواهد داشت با کسی که بگوید که مشروطیت برای ایران زود است چه مشروطیت قائم نتواند ماند جز به تشکیل احزاب سیاسی و پیشرفت در کارها حاصل نتواند گردید جز به مناقشات های پارتیهایی پلنگی —

در اینجا بی مناسبت نیست که طبقه عالی ملت یعنی روحانیون را متوجه ساخته عرض نمایم که افتراق در مسلک سیاسی هیچ مربوط بمذهب نیست فقط باسم استبدال و انقلاب کسی کافر و فاسق یا مؤمن و متقی نتواند گردیده نظر بر اینکه از دیرباز ایرانیان عادت نموده اند که برای غلبه بر حزب مخالف تبشیه دیانت بر دست گرفته برایشه یکدیگر بزنند در این اختلاف مسلک سیاسی هم تشبیه به همان آله دیرینه کرده میخواهند امر را بر آن موالی مشتبه سازند شما بزرگواران باید بخوبی ملقفت باشید که این

دسته یا آن دسته صرف اسم دیانت را آله پیشرفت اغراض خود نوازند، بهشت و دوزخ برای انقلاب و اعتدال خلق نشده است، انقلاب و اعتدال فقط يك اختلاف مسلک سیاسی است در پیشرفت امور سیاست، هر دو برادران دینی و معتقدین به اسلام اند؛ از این و بعد باید از مسلک دیرینه مستبدین که مخترع اش مخرب ایران ناصرالدین شاه بود عبرت بگیریم، و بحقیقت امور رسیده جاده حق را از دست ندهیم، فرضاً بکنفر یا يك جماعت عقیده شان این باشد که باید انصاف و ظایف روحانین و سوار حقیقت بشود کار نتواند شد، فقط اگر در حق آن جماعت غلو هم نمود خاطی شایسته توان گفت، غرض این است که روحانین ما ملتفت بوده قافیه را نبازند که در همین زودی خود شاهم منسحب شده فرقه این مسلک سیاسی و فرقه دیگر آن مسلک را اختیار خواهند نمود، و این امر حتمی و مقتضیات زمان فریاد میزند که چاره بردار نیست، در آن صورت نتیجه این خواهد شد که کایتاً روحانیت امر روزی ضعیف خواهد گردید

✽ مکتوب از پاریس ✽

اگرچه تمام حراید خارجه این اتفاق ناگوار را نقل کرده اند و مخصوصاً (جریده اتحادیه فرانسه و ایرانی) باز هم بیان این مختصر را لازم دید دو فرزند وزیر مختار که یکی نوزده و یکی هیجده سال داشتند متجاوز از سه سال بود پاریس آمده و مشغول تحصیل بودند و امسال موقع دخول آنها بمدارس عالییه رسیده بود بر حسب میل خود اینجوانان و تصویب معلم آنها وزیر مختار مصمم بود که آنها را داخل مدرسه نظامی (س سیر) فرانسه بکنند این است که ایشان را در موقع تعطیل بيك نفر معلم سپردند که نواقص خود را تکمیل و حاضر بر دخول مدرسه مزبور باشند در اواخر سپتمبر که ایام تعطیل آنها بسرآمده بود معلمشان شهادتنامه مبنی بر استعداد آنها برای دخول مدرسه نظامی نوشته و فرستاده بود و فردای آن قرار بود که این دو برادر وارد پاریس بشوند که يك دفعه تلگراف رسید که محمدتقی خان پسر کوچک وزیر مختار که هیجده سال بود در دریا غرق شده بچاره وزیر مختار با يك حالت سوزناکی مازم محلی که

بسرانش بود شدند فردای آن جنازه را حمل پاریس کرده و موقتاً در این جا دفن کردند در این موقع همه قسم اظهار محبت از طرف دولت و ملت فرانسه و مامورین سوار دول بوزیر مختار بعمل آمد ولی حال وزیر مختار باندازه منقلب و بریشان بود که از کثرت تالم چند روزی با کمال شدت ناخوش شدند و حکیم نجویز کرد که قدری از پاریس دور شوند که شاید حالشان قدری بهتر شود این است که لایذ معظم‌الیه از پاریس حرکت فرمود و تاکنون تشریف نیاورده اند

✽ حبل المتین ✽

از ملاحظه اخبارات اروپا چنان مستفاد میشود که بزرگترین مصائب که غرق ناگهانی فرزند دلیند ۱۸ ساله است، به یگانه خادم حقیقی ملت و دولت و حامی صمیمی مشروطیت جناب ممتاز السلطنه وزیر مختار پاریس وارد آمده است، از این وقعه ناگوار کمال ملالت و اندوه برای دوستان ایشان پیش آمده ما با کمال تأسف به عرض تسلیم آقای ممتاز السلطنه پرداخته در شرح این واقعه ناگوار بترجمة اتحادیه فرانسه و ایران اکتفا مینمایم و در این مصیبت خود را شریک ایشان می پنداریم

✽ توجه از جریده اتحادیه فرانسه و ایران ✽
يك صدمه فوق العاده جناب صمد خان ممتاز السلطنه وزیر مختار ایران مقیم پاریس را که از بدو ورود خود بفرانسه حقیقاً توجه دولت فرانسه و عالم دیپلوماسی و مجامع بزرگ فرانسه را با صفات حسنه و اخلاقی مرضیه را که دارا هستند بطرف خود جلب کرده غرق مصیبت نموده است

فرزند کوچکشان محمدتقی خان در بیست و ششم ماه سپتمبر در موقی که در (کارنوه) کنار دریا استحمام کرده بود غرق شده است

همینکه این خبر وحشت اثر پذیریه تلگراف در پاریس و ایران منتشر شد اظهار مهربانی و همدردی خواص رسمی و خواص غیررسمی از هر طرف مخصوصاً از طرف جناب رئیس جمهور و رئیس الوزرا و وزیر امور خارجه فرانسه و تمام وزرای مختار و سفیرای کبار دول بجناب ممتاز السلطنه بعمل آمد و تمام آنها خودشان را شریک و سهیم مصیبت ایشان نمودند، دولت و ملت ایران بواسطه تلگرافات عده عریاب تاسفات و تاملات خود را در این موقع

بوزیر مختار اظهار داشتند، واقعاً مصیبت این جوان که آتیه او مایه بی امیدواری بود خیلی بدترش هشوار و تسلیت ناپذیر است

محمد تقی خان که بواسطه رابطه خانواده خود با فرانسه هما و تحصیلان که در فرانسه کرده و حاضر بدخول مکتب نظامی (سنسیر) شده بود یقیناً خدمتاً شایان بوطن خود می کرد، در مقابل يك همچون صدمه تعمیر ناپذیری که بمجناب ممتازالسلطه وارد آمده تسلیت های صمیمی که در این موقع میشود رفع ملالت های ایشان را نمی تواند بکند برای ما که با کمال افتخار مراوده با وزیر مختار ایران داریم و باین واسطه اندازه دوستی ایشان را با فرانسه ما سنجیده ایم و سبباً مخصوصی است که در این موقع مراتب تاسفات خودمان را بایشان اظهار کرده و شریک مصیبت ایشان باشیم

اتحادیه فرانسه و ایران

(ایضاً احوال ماوقع ترجمه از همین جریده)

(اتحادیه فرانسه و ایران)

محمد تقی خان هنوز بن هجده سال نرسیده بود ولی با هوش و سکونت فطری که داشت بابرادر بزرگش عبدالله خان تحصیل حدی در نزد معلم خود مسبو (ویدلوشتر) که ایام تعطیل تابستان را همراه او بودند کرده و مصمم بر تحصیل علم نظامی شده و خود را حاضر بر دخول مکتب (سنسیر) کرده بود دو روز قبل از اتفاق این قضیه جانگداز شهادت نامه از معلم ایشان مبنی بر اینکه این دو جوان از هر حیث لایق دخول مکتب نظامی هستند بمجناب وزیر مختار رسید چون بام تعطیل را هم این دو جوان در نزد بروفسر خود صرف تکمیل تحصیلات خود کرده بودند روز قبل مراجعت ایشان بیارین که روز ۱۶ سبتمبر بود عبدالله خان حرکت فوری وزیر مختار را به (کارتره) تلگرافاً خواستگار شده و علت آنرا ناخوشی شدید برادرش عنوان کرده بود بعد تلگرافات عدیده دیگر هم خطاب باعضای سفارت رسیده و وفات محمد تقی خانرا بوضوح رسانیدند باوجود اینکه از این خبر جناب ممتازالسلطه را مطلع بساخته بودند معزى الیه که با برادرش طازم کارتره بودند خیلی پریشان و متالم و يك حالت جان

خرانی داشتند، خبر فوت این جوان ببحاره را فقط بعد از ورود جناب ممتازالسلطه بکارتره بایشان دادند چون ساکنین این محل خیلی با این جوان که محبوب القلوب همه بود مانوس بودند و بی اندازه او را دوست می داشتند باوجود اینکه صبح خیلی زود وزیر مختار وارد شده بود تماماً اشک و ریزان اطراف وزیر مختار را که از شدت حزن و اندوه يك حالت اسف انگیزی داشتند گرفته بودند و با این حال محلی که جنازه مرحوم گذاشته شده بود رسیدند، در این بین از مسیو پرن وزیر امور خارجه فرانسه تلگراف تسلیت و تعزیت بوزیر مختار رسید و حاکم شهر و عموم مأمورین محلی حاضر شده کمال همدردی و همراهی را در این موقع بخرج دادند شب همان روز اعضای سفارت به همراهی کمال الدین اندی امام سفارت عثمانی وارد محل مزبور شدند و چون برای مراسم غسل و کفن وقت نبود لهذا روز چهارشنبه در حضور ساکنین شهر که با يك حالت تعزیه و ماتم جمع بودند مراسم آداب دینی بعمل آمده، الحاق اداره گمرک شهر هم خیلی همراهی در این موقع بعمل آورد، بعد از اینکه مراسم مذهبی تمام شد جناب ممتازالسلطه با پسر ورك و اعضای سفارت خود حرکت بطرف پاریس کردند و جنازه فرزند خود را که آن همه امیدواری ها باو داشت بیارین آورد عصر روز پنجشنبه جنازه را موقتاً در قبرستان (پولانتر) گذاشتند تا بعد در قبرستان مخصوص مسلمانان مدفون شود، چون برای تشییع جنازه دعوت مخصوص بعمل نیامده بود لهذا فقط چند نفر از دوستان وزیر مختار حضور داشتند بی ارحامترین هم حضرت اشرف ناصر الملک نایب السلطه تازه ایران بود، در این بین مسیو (فوکیه) از طرف رئیس جمهور فرانسه بسفارت آمده مراسم تعزیت و تسلیت معظم الیه را بوزیر مختار ابلاغ کرد، این قضیه باندازه به ایرانی های مقیمین پاریس و فرانسه ها مؤثر شده بود که تماماً با يك حالت سوزناکی آمده اظهار همدردی و غم خواری بوزیر مختار نمودند

در موفی که بگارش جریده اتحادیه فرانسه و

ایران می برداختم وزیر مختار و اعضای سفارت باندازه غرق ماتم و مصیبت بودند که ممکن نشد تفصیل

این اتفاقاً مشروحاً از آنها تحصیل نموده و بدایم که علت این صدمه چه بوده است فقط معلوم کردیم که محمدتقی خان در موقع استعهام در دریا که برادر و دو سه نفر هم همراهش بوده و هیچ يك هم آشنا بشنا بوده اند غفلتاً در آب در يك محلی که آنقدر هم عمیق نموده است ناپیدا شده و جنازه این جوان ناکام را بعد از سه ربع ساعت از همان محلی که ناپیدا شده بود بیرون آورده اند. و این وقت را برادر و سایرین که سناً هم ارا این دورادر کوچک تر بوده اند عقب كك برای استخلاص این جوان بچاره رفته بودند و تا مراجعت آنها کار از کار گذاشته بود.

نقل از روزنامه شریفه ورق

(توقیف ا شرق) یا مخاضره شرف ملت (روز نامه (شرق) که فقط خرید آزاد بی غرض ملی بود تقریباً بیست روز است از طرف وزرای بازم (تجدد پرور) ملت هوا حوامی ناموس ملی، مجرم طرفداری از شرف ملت، تقصیر ادای وظیفه ملیت، به گناه دعوت ملت بخصه حقوق خود، بدون محاکمه و نبوت نصیر محال نص قانون اساسی محکوم ستوقیف گردید

ما این حرکت مخالف قانون و آزادی را که واجبه به حیثیت و شرافت ناموس ملی است به نسبت اهمیت موقع و حفظ اقتدارات دولت قبول نموده و گردن خود را زیر بار يك جنس زنجیر ظلم اصف دبل کنی برده و خریداری نمودیم که بلکه برای آنان نسی حاصل گشته از کردار سزاوار تبییح خود منصرف شوند.

حقیقتاً مقام امتحان بزرگترین تجربه ایست برای کارکنان طریق آزادی از قرار معلوم همین اشخاص معروف به (تجدد پروری) حریت و آزادی ایران و کشته شدن هزاران نفوس دکیه را برای ارتقاء خود بمقام وزارت و ریاست می خواستند.

(شرق) چه تقصیری داشت «چه گنهای کرده بود» جز اینکه وظیفه ملیت خود را ادا نموده بود، آیا از توقیف (شرق) زبان ما بسته شد، قلم ما شکسته گردید، افکار ما از میان رفت، نیایان در بونه اهل ماند؟

اشتباهی است پس بزرگ خطائی است پس

سترك ، (شرق) را توقیف گردید (برق) را منتشر ساختیم (برق) را توقیف بکنید (رعد) را تابع و نشر می سازیم ، (رعد) را از ما بگیرد لغات معموله دیگر از میان رفته ، خود ما را توقیف بکنید هستند کسانی که نیات و افکار و خیالات ملت پرستانه ما را منتشر سازند .

ما آتوقی که قلم حق نویس خود را بدست گرفته و سداری ملت را شمار خود قرار دادیم زحر ، توقیف ، حبس ، طرد ، تبید ، وبالآخره کشته شدن و همه گونه مصائب را برای خود منتظر بودیم ، و ما ز هم حاضریم از عزم خود منصرف نشدیم ، ولی بداید طریق مملکت داری بشیر از این است ، بزرگتر از شاهها ، مقتدرتر از شاهها ، سلاطین شاهها ، امر بهادر شاهها ، وزرای ادوار سابقه ایران نتوانستند در مقابل حیثیات ملی و افکار آزادی طلبان استقامت ورزند ، شاهها ما طریق اولی می توانید .

بوزارت در روزه ، بدون استحقاق علمی خود مغرور نشوید ، تغییر مملکت باین زودی ندهید یاد بیادورید روزی را که ملت شاه را از این مقامی که بدون استحقاق علمی دارا هستید پائین آورد و بکنند آنچه را که سزاوار کسانی است که يك ملت و مملکت را محض پیشرفت خیالات و سلب آسایش عمومی درچار میسازند .

تبه پیدا کنید ، میداید از بدو وزارت شاهها ایران و ایرانها بجه بلایا و مصائب درچار شده اند بخواید مقالات و نگارشات ذیل ما را تا اگر خود ملتت نیستید ملتت بشوید! و به وزارت دو روزه خود مغرور نگردید .

و اخیراً اظهار میکنیم بش از این نمیتوانم خود را راضی بکنیم که حق قانونی ما پایمال گردد و شرق بخلاف قانون توقیف باشد، چنانچه همین چند روزه علت قانونی توقیف را با نابت کردند آنها و الا به طبع و نشر (شرق) اقدام نموده و مملکت حقه خود را تعاقب خواهیم کرد

جبل المبین

خوب است مملکت دیرین و اصول استبداد را وزراء ما ازین و بعد توك فرمایند ، اگر تصور

قانونی وارد آید بر نگارنده اخبار است نه اخبار .
بند نمودن جرائم در افتار متمدین دنیا بسیار قبیح
و از علامت بزرگ استبداد است که در ایران باقی
مانده . شا قانون معارف دارید ، عدالت دارید ،
هرگاه نگارنده برخلاف قانون رفتار نمود با منتهای
سهولت بدون بدنامی از اجبای احکام استبدادیه
میتوانید نگارنده را بر حسب قانون معارف در
عدلیه استنطاق نموده مجازات دهید ، به کدام قانون
و حق جرایم ملی را بدون استنطاق توقیف مینمایند
و اگر فی الحقیقه برخلاف قانون رفته همان مدیر
است که بی مجازات مانده مسلم است که بمجرد توقیف
یک اخبار روزانه مانند شرق جماعتی از زن و بچه
که مربوط باعضای آن اداره اند بدون گناه بیکار
میمانند و این بالاترین ظلم است که در حق اسای
ملت روا دیده اند ، امید داریم که وزراء با دانش
درین موضوع عور صحیح نموده ازین و بعد مرتکب
چنین خلاف قانون و ظلم صریحی نگرددند ، در هیچ
جایی دنیا جز روسیه (که محسنه و شعوری و استبداد
است) این قانون محسوس جاری نیست ، نگارنده
قصور منداست یا قلم و کلام یا اعضاء مکتب آن ،
اینگونه احکام استبدادی که نگارنده از هرگونه
مجازات در صورت تنصیر هم معاف می شود و علم
فاحش باعضای بیگناهی وارد می آید ، شاید از
محکمه بلغ هم صادر نگردد ، صدور اینگونه
احکام جز سایه بدنامی مشروطیت ایران و
ستم بر بیگناهان و پرورش گناه کاران هیچ نتیجه
ندارد .

نقل از روزنامه شریفه خبر
(منظومه - تهران)

خبر این است که ملت بی خبر است و درد
بی درمان هم همین است که ملت بی خبر است
اگر ملت با خبر بود حق خود را میشناخت
تکلیف خود را میدانست و چون حق میشناخت
بحق کسی تجاوز نمیکرد و از حق خود بگذشت ،
چون تکلیف خود را میدانست بآن تکالیف رفتار
نمیکرد و خود را دست آویز بازی بازیگران نمیساخت ،
پلی راه رسیدن بسر منزل سعادت و رهیدن از
ورطه هلاکت نیست جز خبر داری ملت ، ملت که
خبردار شد میفهمد مردن بنام بهتر از زنده بودن

به شک است ، میفهمد زندگانی بی استقلال و آزادی
زندگانی مردهگان است ، میفهمد تمام شرف - تمام
عزت - تمام افتخار و سعادت - تمام قومیت و ملیت ،
در استقلال و آزادی است ، میفهمد که امروز
استقلال و آزادی ما در خطر است ، بی در خطر
است چونکه ملت بی خبر است ، ملت در خواب
تغفلت است ، ملت معنی استقلال و آزادی را نمیداند
تاچی دات اسپری را نمیفهمد ، پس با خبران باید
بی خبران را آگاه نماید و سهیاسد که عزت و
شرافت و افتخار و سعادت در قومیت و ملیت
است و قومیت و ملیت در آزادی و استقلال و
خلاصی از قید اسارت ، و بدخترانه امروز عزت ما
شرف ما ، افتخار ما ، قومیت ما ، و ملیت ما ، ابرایت
اسلامیت ما ، در محاطره عصیم است و سبیلهای شدیدی
که از کوه های بلندی نواب خهای خشتی و حاکی
ما سراریر گشته روری چند میکند که ما را بی
حماز و آواره دشت و بیابان خواهد کرد ، سبب
بادان ما ، نفاق ما ، حرص ظمکاری ما ، حب ریاست
ما ، بی خبری ما ، حق ناشناسی ما ، بی ازماست که بر
ما است ، این مختصر روزنامه (حر) آرزوی
خبردار بودن ملت و باید مساعدت دانشمندان
باهمت و حبت قدم در عرصه مصیوعات میکندارد و
مسلك و مقصد خود را بخوانندگان میشناساند و میگوید .
(خبر) از استقلال تمام آزادی کامل ملت حمایت
می نماید -

(حر) از تحاهرات ما مشروع احب دفاع میکند ،
(خبر) اهبت کامل مملکت را مطالبت مینماید
(حر) ملت را محتوق مشروع خود آگاه میسازد
(خبر) تکلیف واحب را پیش بی ملت میکندارد
(خبر) در ترویج معارف عمومی که کایه سعادت
است قدم مخصوص بر میدارد و در هیچ حال از
حدود ادب و مجادله ادن خارج نمیشود ، از امراط
و تهریط و طرفداری اشخاص اجتناب مینماید ، بشخص
و شخصیات نمیردرد ، و خبر در اصول و خطوط
اساسی قدم میکندارد ، حق را می پذیرد و باطل
را رد میکند طرف هرکس باشد

این است مسلك ما ، این است مقصد و مقسود ما
نقل از روزنامه شریفه گیلان
(تلگراف از رشت به تبریز)
بوسببه جناب مستطاب ملاذالانام آقای نفع الاسلام

و جناب مستطاب آقای حاجی مهدی کوزه کنانی حضور مبارک انجمن ایالتی آذربایجان و علمای اعلام و تجار کسبه دامت تائیداتهم - چندیت از سیر و سلوک متصدیان امور مملکتی و کارکنان مرکزی کاملاً اطلاع یافته مقام آن برآمدیم کتباً و تلگرافاً اشاره و کتیباً معاتب اقدامات خود پستدانه و حرکات مفروضانه بعضی را با رعایت ادب و نزاکت فہانده شاید بازگشت نموده و اوقات را بوطایب مهمه مملکت مصروف دارند، آنچه مراسلات و تلگرافات مؤثر اتفاق نیفتاده سهل است در مقام آن برآمدند که چند مر مفید آشوب طلب را در گیلان بعنوان شعبه پارتیه انقلابی تعویت نموده تا ایالت گیلان را مثل سایر نقاط آشوب و آتش فتنه را مشتعل سازند، این چند فرمندی با آنچه مذکور و مخانی نسبت بادارات و با آنچه نشر جملیات آسایش بر بادده و مفتریات هرچه تلاش سکردند بمقصود نائل نگشته و بالآخره محدود و منظور غرض و مرض مکشوف و مشهود عامه گردید اکنون شنیده میشود همین نقشه را بعینه برای آذربایجان نیز کشیده و آن ایالت بزرگ را که اول پیش قدم در افراشتن علم حریت و آزادی بوده شاید مختل انتظام سازد و مرا ایالت و ولایت را بخود مشغول نموده در این اثناء بمقاصد شخصی خود نایل گردند، آنچه صبر کردیم که بریشا بیها اصلاح و درم و برمی امور سبیری گردد مع اتأسف روز بروز بریشاتر و درم و برم تر شده تا کار بجائی رسید، رشته نظم و امنیت اکثر نقاط ایران گسیخته و آن بآب هرج مرج رو بزیادتی است، چون ایالت آذربایجان را واقعا مؤسس این اساس دانسته و میدانیم خلل در ارکان مشروطیت که عرس کرده خود آنهاست با حیات آخرین طفل نابالغ آنان مبیانت دارد، لازم شمرد تذکاراً عرض نمایم این وضعی که ایران را در پیش است و این نقشه که چند نفری در نظر گرفته اند اگر چیزی امتدادی پیدا کند به استقلال مملکت و شرافت قومیت باید فایده خواند، مخصوصاً که مدلین و جاسوسان همایگان درکارند و در برم زدن این اساس مقدس بوسیله خودی و بیگانه کوتاهی ندارند موقع باریک، استقلال مملکت در شرف اضطرار،

بحال درنگ و سکوت نمانده هنوز ایران ضریب نیست، هنوز کروورها جوانان با غیرت و وطن پرست دارد، هنوز خون وطن برستی در امدان فرزندان آذربایجانی و گیلانی منجمد نشده، هفت نجویکه طبقات خلق از مقام منبع ریاست روحانی آخرین رعیت گل کار سلسله انجاد را باهم مافتند و رشته اتفاق را معرم و محکم ساختند و خود را از اسارت و مذلت استبداد رهائی دادند، اکنون نیز بایستی با خلوص نیت و عزیزی راسخ و قدسی ثابت همت نموده بهمین بیگانه وسیله نیک بختی و سعادت ابدی یعنی انجاد و اتفاق کینفس واحده یکدل و یک جبهه کوشش نموده عبرت ورزیده کشتی ابراب را از غرقاب هلاکت نجات دهند، تا در پیشگاه الهی و وجدان پاک خود ملوم نگردند و هرچه زودتر صفحه ایران را از لوث وجود قشون اجانب و بیگانه گان داخلی منزله ساخته روا ندارند مدفن آبا و اجداد خود پیش از این لکه کوب سم سنوران اجانب و ناهوس وطن عزیز دست لحوش خیالات چند نفر مفرض شهوت پرست باشند، عجباً تلگرافی که لازم بود بمجلس مقدس عرض شده و سواد آن را بتوسط پست ارسال و منتظر اقدامات انذوات محترم و دستور العمل هستیم، که انشاء الله با کمال بی غرضی و بی طرفی این قافله ره گم کرده بسر منزل مقصود رسد، واسی از پارتیه انقلاب و اعتدال برده نشود

تقل از روزنامه شریفه ایران نو

(سوء قصد به استقلال بخارا)

از سه چهار سال باینطرف بعضی از جراثیم روسیه در ضد محافظه نیم استقلال حکومت خیمه و بخارا میباشند، میخواهند که این دو امیرت مثل یکی از ولایات روسیه گردیده رسماً جزء غیر منفک دولت امپراطوری گردد، بعد از الحاق بوسنه و هرسک از طرف اطریش و کره از طرف ژاپون اشتباهی اینها بیکتوری هم زیاد تو گردیده، مخصوصاً بعد از سلب مختاریت قلند بمراتب حرارت پیدا نموده اند، در چهاردهم اوت گذشته، ۴ سال از بزیر حمایت روس رفتن بخارا تمام میشد باین مناسبت روز نامه که در مرکز ترکستان باسم « پست ترکستان » نشر میشود سلسله مقالاتی نوشته و مدونه اشکه وقت و فرصت را از دست ندهند

الحاق تمامه بخارا را توصیه مینماید.

در یکی از مقالات خود روزنامه مذکور مینویسد (ما چهل سال است با بخارا معامله و فاکتکارانه مینماییم ، بخارائیهها این معامله ما را حل بر ضعف میکنند ، وقت است ~~که~~ ما اظهار قوت خودمان را ثابت کنیم ، بخارا را چهل سال پیش میبایستی ~~هو~~ کرده فقط آن وقتها اسکلیس همایی ما را به افغان نخواستند و سبب بیداری زندگی بخارا شده بود ، ایوم مناسبات ما با اسکلیسها خوب است ، احتمال نمیرود که انگلیس مانع از نشینات ما گردند)

همان روزنامه در مقاله دیگرش مینویسد :

(ژاپون کردها ، اطریش بوسنه و هرسلک را ، دول متحده آمریکا لیبیرایا الحاق نمودند ، ترکیه در ایران زمین سیر می نماید ، (بیچاره روس از ایران هیچ خبر ندارد) هر چه زود تر الحاق بخارا بدولت روس فیض است ، در این خصوص محل مذاکرات و فرصت مکالمات هم بست . در حال باید بخارا را یکی از ولایات روس اعلام نمودند ، آنرا زیر اداره عمومی والی ترکستان آورد ، اشخاصیکه حایه آنها حکومت مینمایند باید آنها را از محل خود اخراج کرده در کریمیا و یا قفقاز آنها را اجازه اقامت داده برای الحاق بخارا غیر از این هیچ کاری لزوم ندارد .

روزنامه (وقت) که بزبان ترکی تاتار در اورنبورغ نشر میشود در مقاله که از این سوء قصد ها بحث مینماید حقایق تلخ ذیل را علاوه مینماید ،

در حین آنکه محررین روس میخواهند بخارا را از جغرافیا منقل به تاریخ نمایند عجباً مالکین مشروع مملکت و بعضی اهالی بخارا در چه فکر و خیال اند ؟ ندیدی است که آنها نه از جغرافیا و نه از تاریخ خبر داشته ، با کمال استراحت بلاو خود را خورده افبوشانرا کشیده و هر چه میتوانند میخواهند

(افکار جناب بروفیسر براؤن در حق)

(عالم اسلام)

خدمات بروفیسر موسی علیه وحبیبات دوستانه آن معلم حقیقی در موضوع مشرق عموماً و عالم اسلام خصوصاً

توفیق يك در یکی از مقالات خود که در صفحات (اقدام) مندرج نموده اقتباس از صحبت خود که بروفیسر براؤن راجع به مسلک مملکت گیری و امپریالیزم اورویا نموده اند کرده افکار بروفیسر را بطور ذیل نقل مینماید .

(آری) امروزه اساسی که در سیاست عالم حکمفرما است قاعده (الحکم لمن غلب) است . مع التاسف استناد مسلک سیاست امروزی بر این قانون بی امان میباشد ، تطبیق اسبابهای داروینزم در سیاسیات سبب این ضلالت گردیده ، هر قدر تفوق و تحکم ملل مستعده و قابلیتدار بر سائرین مشروع و بحق شمرده میشود دولتی که بر قوای خود اعتماد دارد در اعمال استیلا برورانه خود جلاد انسانیت مبدگردد ، و برای این است که مدنیت اسلامیه را ما بعضی وجوهاتش قانع بر مدنیت اروپا می یابیم ، در مقابل قوتی که می خواهد این مدنیت را جاروب کرده از میان بردارد عالم اسلام راست که توحید فکر وامل نموده مقاومت نماید این مدنیت مستحسنة نباید منقرض شود

دستخطهای مرا بطور سهو تلقی ننمایید من واقعاً طرفدار بانسیلامیزم (اتحاد اسلام) هستم ، که فقط در نزد من دارای مضایع معقولیت ، من مفهوم این تعبیر را مثل هرکس ندیده ام ، بالطبع بنام بانسیلامیزم نشر دین کردن و تمام عالم تکلیف اسلام نمودن از مقصد من دور است ، شرق دارای مدنیق است حسنش ، اصالت و نجابتش در صنعت معاری خویش ، وادیاتش ، در اخلاقیاتش فلسفیاتش و در معاشرت و عاداتش الحاصل در تمام معنویاتش بالجله در کلبه تجلیاتش جلوه مینماید ، من ، اینک همین مدنیت را میگویم که حقیر به بندارید و ترک ننمایید ، مدنیت خشک و خشن اورویا میخواهد مدنیت شما را محو نماید ، در مقابل این عزم جابه شما مثل يك وجود اتفاق نموده برای محافظه مدنیتتان بجاهده کنید ، زیرا آن کلمات ~~که~~ حقیقتاً از گزیده ترین تجلیات فطرت و معنویت شرقی است مال شما است ، موافق طبیعت و مذاق شما است ، شرقیویسکه با اورویا در تماس میباشد بهمین حال بهترین قوانین ماه مستحسنترین عادات ما را نمیگیرند ، میخانه های ما را

برای تقلید سیئات اعمال ما يك آنهاك عظیم می
نمایند. اینست هندوستان، مصر، جزایر وتونس در
پیش انظارمان است، و الا مثل فنون و صنعتهای
را که از رنگ ملیت عاری میباشند و آلات ماشینهای
را که وسائط تکامل کل انسابت ممدودید بدون
پروا میتوانید قبول نموده بکار ببرید، فقط در
بیحرکتی که حریت ملیه شما را ضایع نماید نباشید،
خلاصه آنها باند فرسگی مائی نگردید، شما هر چه
بکنید نمیتوانید انگیز بشوید، با تقلید سطحی
اروپا شما فقط چیزیکه میتواند بدست بیاورید آن
است که از عنایت خارج شده در يك مضویت
متذبذب غیرمعینه زیست خواهید نمود، این فلاکت
است.

شیراز منبع جهالت و امراض

سوء عاقبت رقابت و هم چشمی و غرض رانی
دو هیئت ریاست طلب اهالی شیراز را وحشیترین
جمیع وحشی های عالم معرفی نمود و نتیجه اغفال و
اهمال دولت دشمنان داخلی و خارجی را موقوف بفرض
ران و سبب افتداری سلطنت مشروطه در کایه نواحی
فارس گردانید درحالی که روان جمیع ابرایان زنده
و مرده از یاد داشت دولت دوست های جنونی
در پوته فکر و اضطراب می سوخت و همه
عقلاء مملکت در صدد جاره و استعلاج و اظهار
حسینات ملی ساعی و کوشانند وطن فروشان فارس
حامیان ظلمه خدمتگذاران استبداد با شورش طلبان
سرکش و خام طلبان بی همتی به غرض رانی و اجراء
نیات سینه در تخریب یکدیگر و ایجاد آشوب و بلوا
در شیراز بتوسط دسته ها و یارتی های خود مشغول
بوده هستند، آخر آنچه نباید بکنند کردند و کاری
مرتکب شدند که علاوه بر هزاران خساره و اضرار
مالی و جانی ملت مؤید بهانه دشمنان گردید چنانکه
با چندان آب و تاب فوراً بتوسط رونو در جمیع
اقطار عالم انتشارش دادند در حالی که می بایست
جمیع نزرگان و سران مملکت با يك جوش و خروش
ملی بروزحسینات وطن خواهی داده احتفال ها انجمنها
برضد یادداشت اجانب نمایند، و خود را آماده مدافعه
و فدائکاری سازند برعکس باکمال توحش محض غرض
رانی و افتضاح رئیس عدلیه اراذل و اوباش جمع

در حالی که باید مستحفظین راه جداً عملاً در ابطال
قول و اعتراض اجانب در خصوص نا امنی شوارع
و غارت مال التجاره اقدام نمایند و دست از تعرض
و چایدن مکاربان بردارند و امنیت راستی و حقیقتی
جاری سازند يك مرتبه دویست و دوازده قاطر با
مال التجاره بشارت میرود، اگر چندی دیگر امورات
فارس بهمین حال خراب برقرار بماند و اقداماتی که
مشهور است دولت در صدد اجراء است لفاظی و
بی اصل و یا مانند اقدامات ظنرالسلطه باشد و از
قوه بفعول نیاید نقشه تصاحب و حفاظت اجانب ثابت
و در محل اجراء خواهد آمد، بدتر از همه آنکه
حقیقت درمیان اغراض مخفی و پوشیده شده خود
اهالی هم نمیدانند سبب این ضایع و فتنه و فساد
چه و علت این همه نا امنی و غارت و شیوع
انتشاش و بلوا چیست، اهالی شیراز نیز دو دسته
و هر يك نسبت این فعل قبیح را یکی از دو نفر
رقیب فارس دانند علی ای حال صورت قضیه بدین
منوال است

روز یکشنبه بیست و ششم شوال طرف صبح
یکمرتبه قریب هزار نفر مرد و زن و بچه فریاد
زنان شیون کفان وارد باغ حکومتی شدند و نقش
يك دختر مرده متعفن شده که چندین زخم در
بدن داشته و زماش را بریده بودند در جلو اطاق
عدلیه بر زمین نهاده بنیاد فحاشی و هرزگی نهادند
می گفتند این دختر را پیودها دزدیده و کشته اند
در حالی که میخواستند در بیرون شهر او را دفن
سازند چند نفر سواران مستحفظ ایشان را دیده
تصاحب نمودند پیودیان نقش را گذاشته فرار نموده
اند، الان عدلیه باید قصاص نماید و الا چنین و
چنان خواهیم کرد، در آن حال شیخ الملک رئیس
عدلیه قوام الملک نایب الحکومه نصرالدوله رئیس
قشون در یکی از حجرات خلوت داشتند، نایب رئیس
عدلیه با حضرات گفتگو میکرد اطمینان میداد که
سریعاً اقدام میکنیم مرتکبین را سزا می دهیم
حضرات متقاعد نشده فریاد میزدند نعرها میکشیدند
بالاخره مانند دسته که از روی نقشه حرکت می نموده
نقش را برداشته بپدان توپخانه که در پشت باغ
حکومت است بر زمین گذاشته فوری با ولوله

پاره پاره میز و کرسی و در و بجره عدلیه را قطعه قطعه نموده فرشها و غالباً را به یفا بردند و یکسر قصد محله یهودان کردند. نصرالدوله عدله از خرافها که برای آشوب از خرافهای روسی بد توند و عدله از سرمازها محافظت محله یهودان فرستاد، بمجرد ورود خرافها و بلوائیها میگویند از پشت بام یهودها شلیک سربازان شده دو هر سرباز مجروح گردید. ناگهان سربازان و خرافات و اهالی شهر دست بشلیک و محله را غارت نموده آنچه توانستند از اشیاء منقوله حق درو بجره - مس - فرش - پوست - کتیرا، قدینه و چرخ چاه که با اعتقاد آنها محسوم بود غارت و چپاول نمودند، زن - مرد - بچه کوچک طفل شیرخواره و لوله کتان ماله کتان رو به بیابان نهادند تا آنکه قریب ظهر نصرالدوله و بعضی صاحب منصبان و قونسول انگلیس خودرا بمحله یهود رسانیدند بیتالیف که چندخانه معدودی بود از غارت نجات دادند، طرف عصر نصیب کمر از آنچه سربازان برده بودند مسترد داشتند، در آتش و بویان غارت زده در اطرافهای در و برفش گرسنه و اندوهناک بروز آوردند، ولی گرداگرد آنها سواران مستحفظ بود اما چه فایده حکم نوشداروی بعد از مرگ داشت خالی از یهودیان بقونسولخانه انگلیس متحصن شدند روز دوم از طرف نصرالدوله و قوام هشتم توپان بایشان اعانه رسید بعضی از علماء مانند آقامیرزا ابراهیم حواله نان برای ایشان فرستاد، قراء ایشان در کوچه و بازار بگدائی افتادند هر کس از اهالی از یک قران تا صد توپان بایشان دادند، دختر مرحوم مشیرم خیلی همراهی در اعانه نمود، قونسول فرانسه دفتر اعانه برای ایشان باز کرد، احتمال دارد از اطراف هم برای ایشان اعانه برسد و فعلاً روزی بانصدمن نان از طرف قونسول فرانسه بایشان میدهند و نیز احتمال دارد نصف نخواب ایشان غیر از وجوهات نقدی عایدشان بشود، هر کس که با ایشان آشنائی و معامله داشتند ترجاً پوشاک و خوراک و لحاف و پلاس بایشان میدهند، اگر اهالی شیراز محله یهود را غارت نمودند در پاداش خیرین باحسان و دلجوئی نمودند ولی خدا بفریاد مسلمانان برسد که علاوه بر غارت تمام خانه های ایشان را سوختند و چندین هزاره و جان و اطفال را کشتند و بجای تسلی

گلوله های اترک بجان ایشان تلاق می نمود یک نفر زبانی هم از ایشان دلجوئی نکرد، احدی بفریادها و استغاثه های ایشان نرسید، وقوع این قضیه دوزمانی شد که سوله الدوله در حوالی شهر اطراق نموده بود، دوروز بعد از این قضیه تجار بخدمت صولت الدوله میروند که علت استغاثی حاطت راه را جویا شوند، پس از گفتگوی زیاد مجدداً ویرا راضی می نمایند که راه بوشهر تا شیراز و از بوشهر تا اصفهان در عهده صولت باشد، وی نیز قبول می نماید (ایضاً دیگری مینویسد)

جماعتی برای مقاصدی که دارد که مملکت را برهم بزنند رفته یک محله یهودی را که تازه مرده بود از قبر بیرون آورده چند جای او را سوراخ سوراخ کردند بعد در آتش او را برشته نموده سیاه شده لباسی در برش کرده رده انداختند در قبرستان یهودی ها بعد آوردند که ای وای بچه مسلمان را یهودی برده و کشته در قبرستان خود افکنده سپس او را در طبق گذارده آوردند در عدلیه و به زمین گذارده دورش شیون کردند، بعد کم کم دست بکار زده در و بیکر و آئینه و شیشه هفت اطاق عدلیه را که در باغ ابائی است شکسته از آن بعد قرب بجای میز ممتاز را شکسته بردند، میزی که دوازده پارچه بود شکسته بردند، قریب یکصد صندلی را شکسته بردند، قریب یکصد کلم را بردند، دفتر و کتابچه و اسناد مردم هر چه بود بردند، بعد هجوم آورده بمحله یهودی ها قرب دو کروور مالیه از آنجا بغارت بردند یک قلم هفتاد هزار تومان جواهر مال مسلمانان که گرو بوده بردند، حتی درب کوچه آنها را کهنه بردند، الآن جماعتی یعنی همه آنها زنی و مرد دسته دسته اطفال خود را بدست گرفته برهنه و عریان توی کوچه عزاداری و گدائی میکنند بعد حکم شد اموال آنها را پس بگیرند چند روز است که تخمه پوست کهنه و لحاف کهنه می آورند، سر کوچه ها می اندازند

حبل المتین

این بود مکاتیب موقه که از شیراز به اداره رسیده ولی وکایع نگار مخصوص اداره چنین می نویسد

وقایع نگار اداره

وقته شیراز عمدی و پلنکی بود خوب است برای کشف این ماجرا قدری نظر خود را وسعت دهید گمانیکه در شهر قیام دارند و سرشان در سرهاست میدانند که حکومت و ارباب نفوذ این شهر حرکت جز بمشوره قونسل انگلیس نمی نمایند، و قونسل انگلیس همان است که در ایام بلوا برای تبریر موجود بود و واقفان رموز میدانند که در آن وقته چه رنگ ریزی ها قونسلات نمودند و چه پلنک ها بکار رند و چه مواعید مرقوبی به انجمن ایالتی دادند تا قشون روس را وارد تبریز ساختند نقطه شیراز در جنوب برای همسایه جنوبی همان حکم را دارد که تبریز در شمال برای همسایه شمالی داشت بهمان بازی ها که روس قشون در تبریز وارد نمود انگلیس می خواهد در شیراز وارد نماید با مزه تر اینکه تا اندازه که علناً قونسلات خارجه در این شهر دخالت در امور داخله می نمایند و خودشان را در کلی و جزئی امور شامل میکنند حکومت و اعضای آن دخالت و شمولیت ندارند یا عمداً نمی کنند معلوم است در صورتی که وزارت خارجه انگلیس آن یاد داشت چنانی را بدولت ایران پیش نماید فرام آمدن چنین اسباب ها در شیراز در ثبوت حقیقت انگلیسان برای اقدامات فعلی چنین واقعات در شیراز لازم بود، دولت ایران اگر در صدد رفع این غائلات باشد او این وظیفه او کوتاه کردن دست دخالت قونسلات خارجه در شیراز است پس از آنیکه حکومت و رئیس قشون بقای اقتدار بلکه حیات خویش را در سایه حایه خارجه تصور کنند در پیشرفت مقاصد خارجیان پیش آمد واقعات بزرگتر از اینها را هم باید منتظر بود در خارج شهر آنچه در حق قشقائی گفته شود در نظر دور و نزدیک ممکن الوقوع تصور تواند بود ولی در شهر شیراز که امروزه دارای پنج هزار قشون از سواره و پیاده تحت فرمان ریاست لشکر نصرالدوله بود و حکومت هم با برادر بزرگشان قوام الملک باشد چنین پیش آمد را حمل بر چه توان نمود؟ درست باید دقت نمود، آنها بیسی که بر سر عدلیه آمد در اوج حکومتی بود با آن قوه قاهره که تاکنون

هیچ حکومتی در این سنوات اخیره در شیراز دارا نبود اگر میل حکومت نبودی چنین واقعه پیش می آمد؛ عجباً دولت ایران از گرگ چوپانی می خواهد؛ آتش در بنه انداخته می خواهد نسوزد بی این است خبط حکومت مرکزی، این است خطائی احزاب سیاسی طهران

ما با يك اطلاع واثق و خیر خواهی بی لوث حکومت مرکزی طهران را آگاه می سازیم که همان نقشه را که قونسلات خارجه در وارد ساختن قشون روس در تبریز پیش گرفته بودند امروزه در وارد شدت قشون انگلیس در شیراز پیش گرفته اند فرق هم در بین هست، اهالی تبریز بیدار و غیور بودند و مردمان شیراز خواب و کم غیرت اند، حکومت تبریز در قبضه مات غیور تبریز بود حکومت و رئیس قشون شیراز بنده و بسته و آله پیشرفت اغراض همان خارجیان اند چیزی که بتواند جلوگیری از نقشه خارجیان نماید این است که ایالت جدید فارس جداً از دخالت قونسلات خارجه در امور داخله جلوگیری نماید و گمانیکه از ارباب نفوذ در شیراز سروکار همای سری و علنی با خارجیان پیدا نموده جلا و وطن دهند ورنه با بجهاد فوج سرماز بازم از امنیت جنوب عاجز خواهند ماند و نقشه که همایگان مدنظر گرفته از پیش خواهند برد فقط مانی که همایگان در جلو پیشرفت مقاصد خود تصور نموده همانا صولةالدوله است که همه روزه از خارج و داخل بذریعه خودی و بیگانه در بدنام نمودن وی در طهران کوشان و سعی اند که او را باغی دولت قلم داد کرده دولت را مستعد بسرکوبی وی ساخته جنگ خانگی در ایران انداخته بدون هیچ مانی نقشه خود را از پیش به رند اینک که صولةالدوله امنیت بوشهر تا اصفهان را ذمه گرفته و آقای نظام السلطنه هم به ایالت فارس نام زد شده و دولت هم جداً در رفع بهانه جوئی همسایه سعی است امیدواریم انجام کارها بخیر باشد ولی مطلب همان است که نوشتیم یعنی تا قونسلات خارجه ترك دخالت در امور داخله نه نمایند و مراودات ارباب نفوذ سرآ و علناً با نمایندگان بیگانه متروک نگردد اطمنان دائمی با امنیت جنوب حاصل نتوان نمود.